

«سنخ‌شناسی یاریگری‌ها در جنگ براساس روایت‌های زنان

جنگ زده»

دکتر محمدتقی کرمی قهی*

هانیه دانشور**

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۲/۴/۲۵

چکیده

تحقیقات اندکی پیرامون یاریگری‌های مردمی و دولتی در دوران جنگ و پس از آن انجام شده است. زنان جنگ زده ساکن در شهرک شهید بهشتی مشهد، به عنوان یکی از مهمترین گروه‌های درگیر پدیده جنگ تحمیلی و پس از آن، از مهمترین راویان آن، در نگارش تاریخ جنگ مطلقاً دچار بی‌مهری شده‌اند. با عطف به وجود چنین خلأ مهمی، این مقاله که بخشی از نتایج به دست آمده از پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد بوده و براساس روایت‌های زنان یاد شده و از خلال مصاحبه‌های روایی به دست آمده، برخی از مضامین یاریگری‌های مردمی

Email: mt.karami@yahoo.com

* استادیار گروه مطالعات زنان دانشگاه علامه طباطبائی.

** کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی دانشگاه علامه طباطبائی. Email: daneshvar_hanieh@yahoo.com

و دولتی در زمان جنگ و پس از آن را با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی جمع آوری و طبقه‌بندی نموده است. محتوای موجود در نهایت در پنج مقوله «یاریگری‌های دولتی به جنگ زدگان»، «یاریگری‌های مردمی به جنگ زدگان»، «یاریگری‌های جنگ زدگان به یکدیگر»، «یاریگری‌های جنگ زدگان به هم میهنان و دولت» و «یاریگری‌های مردمی به هم میهنان و دولت» قرار گرفت. مهمترین تفسیر و توضیح این سنخ بندی تشکل یافته اشاره به حضور ارزش‌های مثبت پیرامون یاریگری نهفته در پتانسیل فرهنگی ایرانیان داشته که در نتیجه آن امکان وقوع سریع کنش‌های یاریگرانه را نسبت به این پدیده شوم هموار ساخته و از سوی دیگر، نقش سرمایه‌های اجتماعی جنگ زدگان و بویژه سرمایه اجتماعی خانواده و نهاد خویشاوندی در شکل‌گیری و تداوم کنش‌های یاریگری، کاملاً مشهود، همه جانبه و مستمر بوده است.

واژه‌های کلیدی: یاریگری، مشارکت، مصاحبه روایی، تحلیل محتوای

کیفی، پتانسیل فرهنگی، سرمایه اجتماعی.

مقدمه

جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران به عنوان یکی از طولانی‌ترین جنگ‌ها در قرن بیستم، از منظرگاه‌های مختلفی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است که بی‌شک نشان از ابعاد فراوان این پدیده فراگیر و سهمگین دارد.^۱ با این وجود تحقیقات بسیار انگشت شماری پیرامون انواع مشارکت‌ها و یاریگری‌های مردمی و دولتی در دوران جنگ و پس از آن انجام شده است. صرف نظر از یادآوری خاطرات مانده در اذهان ایرانیان و همسو

۱- بحث‌های فراوانی پیرامون علل جنگ تحمیلی از حیث حقوق بین‌الملل، قطب بندی شکل گرفته در منطقه و حامیان بین‌المللی، مواضع سازمان ملل، تحلیل‌های نظامی جنگ و عملیات‌های رخ داده در آن، نقش رهبری سیاسی و اجتماعی در دوران جنگ، مشکلات خانواده‌های شهدا و ایثارگران، مباحث پیرامون اقتصاد و جنگ تحمیلی و میزان خسارت‌های تحمیل شده بر ایران و ... صورت پذیرفته است.

با آن در حافظه جمعی ملت ایران، از حیث منطقی نیز بسیار بدیهی است که دفاع از کشورمان تنها و تنها با تکیه بر نیروی جمعی بخش وسیعی از بدنه مردم و مشارکت آنان در حوزه‌های مختلف جنگ ممکن شده است. این که چرا پدیده‌ای با این اهمیت تاکنون کمتر مطمح نظر واقع گردیده خود نیازمند پژوهش و یا پژوهش‌های مفصل و جداگانه‌ای است، با این حال این نوشتار در پی فتح بابی است که پس از تک پژوهشی^۱ متاسفانه همچنان مهجور مانده است.

طرح مسئله

بررسی پدیده کنش‌های یاریگرانه در جنگ، صرفاً به بحثی ارزشی نسبت به جنگ تحمیلی و لزوم پرداختن به دفاع مقدس محدود نمی‌شود و اساساً متکی به واقعیتی فراگیر و همه‌جانبه است که در طول دوران جنگ و پس از آن در اقصا نقاط کشور کنشی مستمر و خودخواسته از سوی آحاد ملت بوده است. هر چند که می‌توان با بررسی اسناد موجود تا حدودی آمار و ارقام و میزان ربالی و همچنین اقلام مورد احتیاج جنگ‌زدگان را که عمدتاً از سوی بنیاد تازه تاسیس امور جنگ‌زدگان^۲ تامین می‌شده

۱- مراد از این تک پژوهش، تحقیق جناب آقای دکتر عزت الله سام آرام با عنوان «تشکل‌های خودجوش زنان روستایی برای پشتیبانی از جبهه‌های جنگ تحمیلی» است که در میان سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۷۹ در ده روستای گرمسار انجام شد و مقاله‌ای از آن در فصلنامه علمی - پژوهشی علوم اجتماعی شماره ۱۶-۱۵ با همین عنوان به چاپ رسیده است.

۲- «بنیاد امور مهاجرین جنگ تحمیلی»، نام بعدی «بنیاد امور جنگ‌زدگان» که در سال ۱۳۶۰، برای برنامه ریزی و هماهنگی فعالیت‌های کمک‌رسانی و تأمین نیازهای مادی و معنوی مهاجران جنگ عراق با ایران تأسیس شد. «بنیاد جنگ‌زدگان» به دستور محمد علی رجایی، نخست‌وزیر وقت، زیر نظر وزارت کشور، به سرپرستی سید مصطفی میرسلیم معاون سیاسی اجتماعی وزارت کشور ایجاد شد و اساسنامه آن به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. (شورای هماهنگی تبلیغات دولت، ۱۳۶۸: ۸۴۱). این بنیاد بعداً با نام «بنیاد امور مهاجرین جنگ تحمیلی» در چارچوب نظام تشکیلاتی دولت و زیر نظر وزارت کار و امور اجتماعی به انجام وظایف خود ادامه داد (روزنامه رسالت، ۱۳۶۶: ۹-۸). وظایف و برنامه‌های این بنیاد در شش محور متمرکز می‌شد: برنامه‌های رفاهی، شامل پرداخت مستمری، کمک به آوارگان تحت پوشش امور اجتماعی، حمایت اقتصادی از طلاب و دانشجویان آواره

است، مشخص نمود، با این وجود نوع، کمیت و کیفیت این کمک‌ها و نحوه رساندن‌شان به جنگ زدگان به طور شفاف مشخص نیست.

یکی از منابع مهمی که می‌تواند در مشخص شدن ابهام‌ها پیرامون جنگ به طور اعم و این پدیده همه گیر به طور اخص مورد استفاده قرار گیرد، روایات خود جنگ زدگان از آن است. روایت‌های جنگ زدگان از جنگ، در ذیل مفهوم تاریخ شفاهی جنگ قرار می‌گیرد. تاریخ شفاهی^۱ اشاره به اطلاعاتی پیرامون واقعه‌ای خاص دارد که راوی آن، خود در آن رویداد حاضر بوده است. رویه ثبت این اطلاعات، ضبط صدا و یا تصویر راوی به هنگام روایت خویش از موضوع می‌باشد. هر چند مدتی است که از این منظرگاه، جنگ مورد توجه قرار گرفته است، با این حال مبنای نگارش آن، تمرکز بر روایت نیروهای نظامی درگیر در آن بوده و کمتر به جنگ از زاویه نگاه مردم عادی توجه شده است. مردم عادی درگیر در جنگ یا همان جنگ زدگان، منبع مهمی از آگاهی نسبت به وقایع جنگ به شمار می‌روند؛ این در حالی است که در نگارش تاریخ پدیده جنگ تحمیلی، کمتر محلی از اعراب داشته‌اند. مسئله مهم دیگری که در نگارش تاریخ شفاهی جنگ از منظر جنگ زدگان مطرح است، بی و یا کم توجهی به روایات و تجارب زنان جنگ زده است. (زنان یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر و متعاقب آن، قربانیان هر جنگی هستند و با گسترده‌تر شدن آتش جنگ مسئولیت‌های‌شان دوچندان می‌شود، با این

جنگی؛ برنامه اسکان، شامل پرداخت اجاره بها، هزینه تعمیرات مجتمع‌ها، شهرک‌ها و خوابگاه‌های مهاجران جنگی و احداث خانه برای آنها در استان‌های جنگ زده؛ برنامه تعلیم و تربیت؛ برنامه امور هنری برای حفظ و توسعه فرهنگ اسلامی در میان جنگ زدگان؛ برنامه بهداشتی، شامل سرپرستی مهاجران معلول و سالمند، کودکان بی سرپرست، خرید لوازم بهداشتی، اعزام بیماران مهاجر به بیمارستان‌های داخل یا خارج از کشور؛ اشتغال زایی و کاریابی، به منظور ساماندهی و بهبود شرایط زندگی مهاجران جنگی (شورای هماهنگی تبلیغات دولت، ۱۳۶۸: ۸۵) این بنیاد، پس از پایان جنگ تحمیلی و بازگشت تدریجی مهاجران به مناطق خود، در ۱۳۶۹ در «ستاد بازسازی و نوسازی مناطق جنگ زده» ادغام شد. ستاد مزبور از ۱۳۷۶ با عنوان «دفتر امور مناطق بازسازی شده جنگ تحمیلی» به کار خود ادامه داده است. (ربیعی، ۱۳۷۸)

1. Oral History

همه با مغفول ماندن روایات‌شان از رخداد جنگ، همواره دچار رنج مضاعفی هستند. هر چند که کم توجهی به زنان در ذیل مفهوم تاریخ نگاری زنان^۱ در اواخر قرن بیستم میلادی^۲ به یکی از مباحث مهم در تاریخ نگاری بدل شده است، با این حال این رویکرد نتوانسته به جایگاه قابل قبولی در ایران دست یابد.^۳ ویژگی بارز تاریخ شفاهی، پرداختن به نقاط کور و روایت‌های حاشیه‌ای و ناشنیده است، چنان که سنگستر (Sangster: 1998) معتقد است: «تاریخ شفاهی فرصت ثبت و نگارش تجارب زنده را برای کسانی که فاقد آموزش‌های لازم و فرصت و نفوذی برای نوشتن بودند مهیا کرد. در این مجال شاید نظریه‌ها و تجربه‌های کسانی که خارج از منابع رسمی و نخبگان بودند و با آن‌ها سازگاری و توافقی نداشتند فرصت ظهور و بروز یافته باشند. تجاربی که از حیات مایه گرفته و چشم‌انداز دیگری را فراروی آیندگان باز کرد. مصاحبه، مورخان را به درون جامعه کشاند و شانس و مجالی برای گروه‌هایی که به لحاظ اجتماعی و تاریخی به حاشیه رانده شده بودند، آماده ساخت.» (سنگستر، ۱۹۹۸: ۸۷، به نقل از نورانی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۴)

یکی از مناطقی که مهاجرین جنگ زده به طور گروهی در آنجا اسکان یافته‌اند، شهرک شهید بهشتی مشهد است. زنان جنگ زده ساکن در شهرک شهید بهشتی یکی از مهمترین گروه‌های درگیر و پس از آن از مهمترین راویان پدیده جنگ تحمیلی به شمار می‌آیند. با این وجود در نگارش تاریخ جنگ تحمیلی مطلقاً دچار بی‌مهری شده‌اند. با وجود چنین خلأ مهمی، مقاله پیش رو که بخشی از نتایج به دست آمده از پایان نامه

1. Women's Historiography

۲- «در سال‌های دهه ۱۹۸۰ شاهد ظهور جریان‌های نویی در عرصه تاریخ هستیم، نظیر تاریخ زنان و تاریخ فرهنگی که خود نتیجه ظهور و تکامل جریان‌های تازه در فلسفه اروپایی به ویژه فلسفه قاره‌ای و نیز نتیجه بسط و تکامل نظریه فرهنگی و زبانی است. پیامد این فرآیند آن بود که الگوی اصلی و غالب تاریخ که حاصل نهضت روشنگری و زاینده اندیشه علوم اجتماعی تجربه گرا و پوزیتیویستی بود، مورد چالش جدی قرار گرفت.» (جنکینز، ۱۳۸۶: ۲۸)

۳- برای آگاهی بیشتر در این زمینه نگاه کنید به شهیدیان، حامد: «دشواری‌های نگارش تاریخ زنان در ایران: وضع کنونی و راه آینده»، مجله ایران نامه، زمستان ۱۳۷۲-شماره ۴۵.

مقطع کارشناسی ارشد بوده و براساس روایت‌های زنان مذکور و از خلال مصاحبه‌های روایی^۱ به دست آمده است، بخشی از مضامین یاریگری‌های مردمی و دولتی در زمان جنگ تحمیلی و پس از آن را جمع‌آوری و طبقه‌بندی نموده است.

هدف و سوالات تحقیق

هدف اساسی مقاله پیش رو، بازیابی انواع یاریگری‌ها در روایت‌های زنان جنگ زده مهاجر خوزستانی ساکن در شهرک شهید بهشتی مشهد است. بر همین مبنای پرسش اصلی^۲ در این مقاله بدین گونه مطرح خواهد شد که در مجموع مصاحبه‌های روایی به دست آمده، مضامین و انواع یاریگری‌ها در چه ابعادی رخ داده‌اند؟ یاری دهندگان و یاری گیرندگان چه کسانی هستند و چه نسبتی با یکدیگر دارند؟ و آیا می‌توان تفسیر و یا تفاسیری پیرامون ویژگی‌های درونی یاریگری‌ها ارائه نمود؟

چارچوب مفهومی

مبنای چارچوب مفهومی مقاله پیش رو، به کارگیری طبقه‌بندی انواع یاریگری‌ها در آرای دکتر مرتضی فرهادی می‌باشد. در طبقه‌بندی ایشان و به مدد پژوهش‌های میدانی گسترده، منطق حاکم در کنش یاریگری ارائه شده است؛ این در حالی است که منابع مشابه موجود در این زمینه، عمدتاً با ماندن در ظاهر یاریگری، به توصیف و تعریفی

1. Narrative Interviews

۲- در تحقیق کیفی استفاده از مفهوم «پرسش تحقیق» مناسبتر از «فرضیه تحقیق» است. میسون (2002: mason) در این باره می‌گوید: «مفهوم پرسش تحقیق بر فرضیه‌ها و گزاره‌ها ارجحیت دارد؛ چرا که تحقیق کیفی در پی تدوین پرسش‌هایی است که در طی فرآیند تحقیق توسعه می‌یابند و بررسی می‌شوند. بر خلاف فرضیه‌ها که عمدتاً برای یک بار طرح می‌شوند و به وسیله پژوهش تجربی تایید و یا رد می‌شوند، ضمن این که این مفهوم بیشتر از سایر مفاهیم با تکرار هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی در تحقیق کیفی همخوانی دارد.» (میسون، ۲۰۰۲: ۱۹)

سنخ‌شناسی یاریگری‌ها در جنگ بر اساس ... ۱۶۳

ناقص از آن بسنده کرده‌اند. به بیان دیگر متفکران و جامعه‌شناسان غربی در پرداختن به مفاهیم مشارکت^۱ و تعاون^۲ بیشتر به ذکر تعاریف، کارکردها و ضرورت ایجاب آن در گذشته و اکنون بسنده کرده‌اند و جای توضیح و تفسیر منطق و ساختار درون بود آن بسیار خالی است. لازم به ذکر است که دکتر مهدی طالب نیز تقسیم‌بندی‌هایی از مفهوم مشارکت ارائه نموده‌اند، با این وجود، به دلایلی که در ادامه بدان اشاره می‌نماییم، تقسیم‌بندی‌های ایشان نیز نتوانسته منطق درون بود یاریگری‌ها را مورد کنکاش قرار داده و ساخت انتزاعی آن را آشکار سازد. این در حالی است که در طبقه‌بندی مورد استفاده در پژوهش حاضر «صفات همچون سمت و سوی کنش یاری، برون سویه یا درون سویه بودن، یک سویه یا دو سویه بودن، عمودی یا افقی بودن بردار کنش یاری، که افزون بر اثرات مهم اجتماعی مترتب بر آن‌ها، نسبت به سایر صفات، مقدم و اساسی‌تر می‌باشند»، مورد توجه قرار گرفته است (فرهادی، ۱۳۸۸: ۳۷۱). طبقه‌بندی یاد شده برآمده از اصولی است که از مهمترین آنها می‌توان به «۱- ما همکاری‌ها داریم و نه همکاری. ۲- غالباً و پیش از این طبقه‌بندی جوهری ما، آنچه به انواع همکاری و مشارکت از جانب دانشمندان علوم اجتماعی عنوان شده است، انواع عرضی همکاری است و ساخت واقعی انواع همکاری را مشخص نمی‌سازد. ۳- انواع یاریگری‌ها، همه جایی (جهان گستر) هستند. ۴- انواع یاریگری‌ها، همه گاهی (زمان گستر) هستند. ۵- ساخت جوهری انواع یاریگری در هر زمان و در هر مکانی ثابت و صفات عرضی و ثانویه و انضمامی طبیعتاً از جایی به جای دیگر و از یک زمینه کاری به زمینه کاری دیگر، متغیر است.» اشاره نمود (فرهادی، ۱۳۸۳: ۱۹).

-
1. Participation
 2. Cooperation

با توجه به مسائل مطرح شده، در ابتدا اجمالاً مفاهیم مشارکت و تعاون را توضیح داده، پس از تشریح مفهوم یاریگری و طبقه‌بندی آن در آرای دکتر فرهادی، در پی یافتن امکان‌های به کارگیری این مفهوم در پژوهش خویش خواهیم بود.

مشارکت عبارت است از فعالیت ارادی و داوطلبانه‌ای که از طریق آن اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و یا روستای خود شرکت می‌کنند و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی خود سهم می‌شوند. (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۹۲) «مشارکت به معنای تعلق همراه با فعالیت به مجموعه‌ای از وظایف و هم به معنای امکان سود بردن از آن است... مشارکت کردن به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن یا در گروهی شرکت جستن و با آن همکاری داشتن است. مشارکت به معنای تعلق به گروهی خاص، و به معنای شرکت فعالانه در گروه و فعالیت اجتماعی انجام شده می‌باشد.» (بیرو، ۱۳۷۰: ۲۸۲). شاتزو (Schatzow: 1997) مشارکت را عبارت از درگیری مستقیم مردم در تصمیم‌گیری‌ها از طریق یک سری مکانیسم‌های رسمی یا غیررسمی می‌داند. (Schatzow, 1997: 147) برتون (Breton: 1997) نیز معتقد است که در میان عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی، دو عامل به طور خاص ارزشمند است؛ ویژگی‌های شخصی و فرصت‌های ساختاری. (Berton, 1997: 6)

فرهنگ لغات انگلیسی (وبستر) کلمه تعاون را، کار کردن باهم برای مقصود و جمع شدن به دور هم برای انجام دادن یک امر مشترک و عمل همکاری اقتصادی نیز معنی کرده است. (فرهادی، ۱۳۷۰: ۵۷). «دفتر بین‌المللی کار^۱ تعاون را این گونه بیان می‌نماید: معنای کلمه تعاون به جز کار مشترک نیست و منظور از تعاون عبارت از گروه متشکل از افرادی که با مشارکت یکدیگر بتوانند اموری را که انجام آن برای یک نفر مقدور نیست را، از عهده اش برآیند. باید به لغت «کار کردن با هم» تاکید کنیم، زیرا تاکید بر آن برای بیان مفهوم تعاون لازم است.» (طالب، ۱۳۷۶: ۱۵).

پیش از پرداختن به الگوی مورد نظر این پژوهش اجماً تقسیم‌بندی مشابه انواع مشارکت از نظر دکتر طالب را مورد بازبینی قرار داده و دلایل نقصان آن، حداقل در نسبت با به کارگیری آن در پژوهش حاضر، و پس از آن برتری مفهومی یاریگری را شرح خواهیم داد.

دکتر طالب سه تقسیم‌بندی از مفهوم مشارکت را در مقاله «ماهیت مشارکت و مشارکت در منابع طبیعی» این گونه ارائه نموده‌اند: الف- «انواع مشارکت بر حسب چگونگی عضویت»: که شامل مشارکت طبیعی، مشارکت اجتماعی، مشارکت خود به خودی، مشارکت برانگیخته و مشارکت تحمیلی می‌باشد. ب- «انواع مشارکت بر حسب زمینه فعالیت»: که شامل مشارکت اجتماعی، مشارکت اقتصادی و مشارکت خدماتی می‌باشد و ج- «ماهیت و غایت مشارکت». که شامل خودیاری، دیگریاری و همیاری می‌باشد (طالب، ۱۳۷۹: ۳۲-۲۴).

در تقسیم‌بندی انواع مشارکت بر حسب چگونگی عضویت، معلوم نیست که واحد تحلیل کنشگر است و یا گروه. در مشارکت ارادی گفته شده: «مشارکت فرد در این گروه ارادی و آگاهانه است (همان: ۲۴)، اما سایر مشارکت‌ها، معطوف به گروه‌های اجتماعی است. (همان: ۲۵-۲۴) از سوی دیگر این تقسیم‌بندی دارای محور و مبنای واحدی برای تقسیم شدن مقولات فرعی نیست، به گونه‌ای که تعدادی از موارد منفرد زیر چتر واحدی قرار گرفته‌اند، بی آن که نسبتی مبنایی میان آنان برقرار باشد. در نتیجه می‌توان چنین گفت که «چگونگی عضویت»، حداقل براساس مواردی که ارائه شده، مبنایی ساختاری نخواهد بود. اگر مبنای تقسیم‌بندی پدیده‌ها، دستیابی به ساختار و الگوی انتزاعی نهفته در پس موارد انضمامی و منفرد است، لذا می‌بایست تا ابعاد درونی یک ساختار قابل تقلیل به یکدیگر نبوده و یا مجال حضور طبقه و مورد دیگری را درون طبقه‌بندی یاد شده مهیا و ممکن نسازد؛ به عبارت دیگر جامع و مانع باشد؛ آنطور که برای «تعریف» نیز ضروری می‌دانند. با عطف به این مسئله، به سادگی می‌توان نقص «تقسیم‌بندی مشارکت بر مبنای زمینه فعالیت» را مشاهده نمود به گونه‌ای که می‌توان در

این تقسیم‌بندی، مشارکت‌های سیاسی، فرهنگی، دینی، سنی، جنسیتی و ... را جای داد، بی آن که خللی به آن وارد گردد. لذا بدیهی است که سیاهه‌ای از موارد انضمامی، شکل یک ساختار را ممکن نخواهند ساخت.

در تقسیم‌بندی ماهیت و غایت مشارکت، از یکسو تفاوت میان خودیاری و همیاری خلط شده و از سوی دیگر به مشارکت‌ها و یاریگری‌های ترکیبی اشاره نشده است. با عطف به محدودیت‌های دو مفهوم مشارکت و تعاون و تقسیم‌بندی‌های موجود مشارکت در شناخت تفاوت در انواع یاریگری‌ها، منطق بنیادی درون بود در هر یاریگری را، به زعم دکتر فرهادی، در هدف کنش یاریگرانه مورد نظر، می‌توان شناسایی نمود؛ این که فرد دیگری مورد نظر است و یا خود فرد یاری دهنده. بدین ترتیب، در صورت «تمرکز بر دیگری» در کنش یاری، بردار کنش یاری، «برون سویه» است؛ و اگر هدف، دستیابی به منافع شخصی فرد و یا افراد شرکت کننده در گروه باشد، بردار کنش یاری، «درون سویه» خواهد بود؛ و البته حالت‌های حد وسط و میانه هم وجود خواهد داشت (فرهادی، ۱۳۸۸: ۳۲۲).

طبقه‌بندی انواع همکاری بر پایه سمت و سوی بردار کنش یاری:

گونه‌های اصلی یاریگری:

۱- دگریاری (برون سویه): در دگریاری جهت بردار کنش یاری، یک طرفه بوده و در آن انتظار کمک متقابل و معوض وجود ندارد، و نوعی بخشش است. در دگریاری معمولاً نقش یاری دهنده و یاری گیرنده ثابت است. انگیزه یاری دهنده در دگریاری غالباً و حداقل ظاهراً غیر اقتصادی است. انگیزه دگریاری غالباً یا کسب منزلت اجتماعی و یا اجر اخروی و یا تشفی روانی است. دگریاری نسبت به سایر یاریگری‌ها، کم‌نظم‌تر و اتفاقی‌تر و گسسته‌تر، در جامعه دیروز ما تابعی از نظم سایر یاریگری‌ها بوده است.

سنخ‌شناسی یاریگری‌ها در جنگ بر اساس ... ۱۶۷

دگریاری بسته به این که، بردار کنش یاری در آن افقی و یا عمودی باشد، به دو نوع دگریاری همترازانه و دگریاری ناهمترازانه تقسیم می‌شود (فرهادی، ۱۳۸۸: ۳۲۲).

الف- دگریاری همترازانه: دگریاری برخلاف تصور اولیه، تنها کمک توانایان و فرادستان به ناتوانان و فرودستان نیست، و ممکن است بردار کنش یاری افقی باشد؛ یعنی بین همپایگان و همترازان (کسانی که از نظر اقتصادی و منزلت اجتماعی در شرایط نسبتاً یکسانی قرار دارند و کم و بیش توانایی‌های مشابه دارند)، هم اتفاق افتد (همان: ۳۲۴).

ب- دگریاری ناهمترازانه: هنگامی که دگریاری بین ناهمپایگان اتفاق افتد... و بردار کنش یاری عمودی باشد، با دگریاری ناهمترازانه روبرو هستیم... بسته به این مسئله که بردار کنش یاری یک سویه، از بالا به پایین و از فرادستان به فرودستان، و از پایین به بالا و از فرودستان به فرادستان باشد، با دو نوع دگریاری ناهمترازانه روبرو می‌باشیم که می‌توانیم به آن‌ها دگریاری فرارونده و دگریاری فرودآینده نام نهیم (همان: ۳۲۵-۳۲۴).

- دگریاری فرودآینده (فروسویاری): اگر جهت بردار کنش یاری یک سویه، عمودی و از بالا به پایین باشد، با دگریاری فرودآینده روبرو هستیم که شناخته‌ترین نوع دگریاری، همان کمک و یاری فرادستان به فرودستان است (همان: ۳۲۶).

- دگریاری فرارونده (فراسویاری): گاه نیز برخلاف انتظار، جهت بردار کنش یاری یک سویه، عمودی و از پایین به بالا است و هنگامی اتفاق می‌افتاده است که اقشار فرودست به دلایلی و داوطلبانه به یاری فرادستان می‌شتافته‌اند (همان: ۳۲۶).

۲- همیاری (همکاری میان سویه): همیاری از آنجا که معطوف به دیگری است، شبیه دگریاری است و از آن بابت که با یک دوره تاخیری، نتیجه‌ای را برای فرد یاری دهنده به بار دارد، همانند خودیاری است. اساساً در همیاری افراد هم یاری دهنده‌اند و هم با مدتی تاخیر یاری گیرنده و بر همین اساس، احساس نزدیکی زیادی با یکدیگر دارند، و طبیعتاً این حالت در افزایش همبستگی و دیگر دوستی و نوع دوستی می‌تواند «تمرینی در خور» باشد (همان: ۳۳۳). در همیاری بردار کنش یاری افقی است؛ یعنی غالباً بین همترازان اتفاق می‌افتد. بردار کنش یاری، دو سویه (یعنی کمک معوض) است؛ نه

همچون دگریاری بلاعوض. در مقایسه با دگریاری که نوعی بخشش به شمار می‌آید، همیاری نوعی مبادله است؛ و فرق آن با مبادله‌های معمولی امروزی، یکی این است که تاخیری است... و دیگر این که مبادلات غالباً مرکب و گرم و چند منظوره‌اند (همان: ۳۳۴).

۳- **خودیاری (همکاری درون سویه):** این‌گونه یآوری، با سایر یاریگری‌های اصلی همچون همیاری و دگریاری تفاوت‌هایی اساسی دارد، که بایستی شناخته شود؛ اولاً: در یآوری‌هایی مانند همیاری و دگریاری، یاری‌دهنده و یا یاری‌دهندگان از یاری‌گیرنده جدا و قابل تشخیص می‌باشند. در همیاری نیز که پس از یک مرحله، جای کمک‌دهنده و کمک‌گیرنده تغییر می‌کند، باز این دو از یکدیگر قابل تمیز می‌باشند، در حالی که در خودیاری، یاری‌دهنده و یاری‌گیرنده قابل تشخیص نیستند، چرا که در واقع این دو در این‌گونه یآوری، یکی می‌باشند. ثانیاً: جریان و حرکت کنش یآوری در خودیاری برخلاف سایر یآوری‌های تعریف شده تا اینجا، به صورت خط مستقیم (برون‌سویه) نبوده، و منحنی بسته‌ای است که به شخص برمی‌گردد. گرچه در همیاری نیز پس از یک مرحله و یا مراحل کوشش‌های فرد به او بازمی‌گردد، اما این برگشت نسبت به سایر افراد گروه ناهمزمان می‌باشد، در حالی که در خودیاری نتایج کار غالباً همزمان به افراد گروه باز می‌گردد (فرهادی، ۱۳۷۰: ۴۵).

خودیاری را بر مبنای منطق‌های متفاوتی به اشکال مختلفی می‌توان تقسیم نمود. با این همه، تفکیک آن از نظر مشارکت در مالکیت، حقوق و وظایف و یا عدم یک محور شراکتی، به «خودیاری بخش‌ناکرده» (مشاع) و «خودیاری بخش‌کرده» (مفروز)، از سایر تقسیم‌بندی‌ها بنیادی‌تر به نظر می‌آید (همان: ۴۵).

الف- خودیاری مشاع: درخودیاری مشاع گروه خودیار در مالکیتی و یا حقی کمیاب به صورت مشاع و تفکیک نشده سهم هستند و همین امر آن‌ها را در اجرای وظایفی نیز سهم و ملزم می‌گرداند (همان: ۴۵).

ب- **خودیاری مفروز:** در خودیاری مفروز کار گروه بر روی موضوعی که در مالکیت مشاع آن‌ها و یا اموال مشترک آن‌ها نهاده شده باشد نیست، و در نتیجه افراد به اجرای وظایفی هم مجبور نیستند. فرد در گروه خودیار مفروز، همچون کار فردی برای خود و با وسایل خود کار می‌کند، اما وی این کار را در گروه و فضای گروهی انجام می‌دهد و از خواص و نیروی شگفت‌آور و لذت کار گروهی بهره‌مند می‌گردد. در خودیاری مفروز چیزی که افراد گروه را با اشتیاق به دور هم گرد می‌آورد، نیاز به نیروی بدنی بیشتری نیست، بلکه ایجاد شرایط مطلوبی است که فرد بتواند از نیروی بدنی خود در بهترین حالت روانی سود جوید. محور شراکتی در خودیاری مفروز، منافع مشترکی است که افراد از وجود و نفس گروه برایشان حادث می‌شود... در گذشته کارکرد دیگر گروه خودیار مفروز تأمین گروه در برابر برخی خطرات و یا نیازهای احتمالی بوده است. در اینجا نیز یاری دهنده از یاری گیرنده قابل تشخیص نیست و نتایج کار در گروه، همزمان به همه اعضا برمی‌گردد (همان: ۴۶).

۴- **یاریگری‌های ترکیبی:** از ترکیب سه نوع اصلی یاریگری (خودیاری، همیاری، دگریاری) شکل‌های تازه‌ای از یاریگری به وجود می‌آیند. از ترکیب خودیاری و همیاری دو نوع «خود-همیاری»، خودمشاع همیاری و خود مفروز همیاری و از ترکیب خودیاری و دگریاری «خود-دگریاری» بوجود خواهد آمد (همان: ۴۹-۴۷).

با وجود انسجام منطقی طبقه‌بندی حاضر و نسبت عمیق آن با واقعیت، که برآمده از پژوهش‌های میدانی پر دامنه است، به کارگیری آن در این پژوهش، به عنوان مبنا و الگوی نظری، امری بدیهی و ضروری خواهد بود. با این حال و به دلیل شرایط ویژه هر پدیده به مثابه امری خاص و یکه، بهره‌گیری از هر الگوی نظری، نیازمند رعایت ملاحظات ویژه‌ای است. بر همین اساس، ضروری است تا در مواجهه با مواردی منفرد و ویژه، متمم‌هایی نسبت به الگوی نظری تشکیل یابد. با عطف به این مسئله بسیار مهم، در این پژوهش نیز چنین ملاحظاتی در انتهای بخش روش شناسی، با عنوان «قواعد کدگذاری»، مورد توجه قرار گرفته است.

روش تحقیق

دستیابی به هدف این پژوهش از طی مسیر پژوهش بر مبنای اصول تحقیق کیفی ممکن شده است. براساس هدف محوری این نوشتار، رویه مصاحبه‌های روایی یا روایتی^۱ به منظور دستیابی به داده‌های تحقیق به کار گرفته شده است. هم داستان با چنین رویه‌ای، به منظور انتخاب نمونه تحقیق، از راهبرد نمونه‌گیری هدفمند^۲ که شیوه متعارف در پژوهش‌های کیفی است، استفاده شده است. رویه اجرایی انتخاب نمونه پژوهش نیز، استفاده از رویه نمونه‌گیری گلوله برفی^۳ بوده است. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد که بهترین شیوه تحلیل چنین داده‌هایی به منظور رسیدن به هدف اصلی پژوهش، به کارگیری روش تحلیل محتوای کیفی^۴ باشد.

مصاحبه روایی یک روش پژوهش کیفی برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به جوهره ذهنی و معنوی زندگی شخص است. این روش، روشی برای نگاه به کل زندگی و راهی برای انجام تحقیق تشریحی و عمیق درباره زندگی افراد محسوب می‌شود (اتکینسون، ۱۳۸۴: ۲۴۱).

محققان در روش‌های کیفی به طور عام از «راهبرد نمونه‌گیری هدفمند یا معیارمحور»^۵ استفاده می‌کنند، اما نمونه‌گیری هدفمند خود دربرگیرنده شیوه‌های متعددی است که هر کدام با روش کیفی خاصی انطباق یا انطباق بیشتری دارند. چنان که پاتون (Patton: 2002) می‌نویسد: در نمونه‌گیری هدفمند: موارد، به این دلیل برای مطالعه برگزیده می‌شوند، که آن‌ها «پراطلاعات» و روشنگر هستند؛ یعنی جلوه‌های مفیدی از پدیده مورد علاقه را ارائه می‌دهند؛ پس هدف نمونه‌گیری دستیابی به بینشی در باب

-
1. Narrative Interviews
 2. Purposive Sampling
 3. Sampling Snowball
 4. Qualitative Content Analysis
 5. criterion-based sampling

پدیده است، نه تعمیم تجربی از یک نمونه به یک جمعیت (محمد پور، ۱۳۸۹: ۱۰۹-۹۴).

بنابراین در این پژوهش نیز با توسل به رویکرد عام نمونه‌گیری هدفمند، از تکنیک نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شده است. فرآیند این شیوه نمونه‌گیری به این شکل است که ابتدا یک پاسخ دهنده که معیارهای نظری پژوهش را برآورده می‌نماید انتخاب می‌شود، سپس آن شخص به پیدا کردن و انتخاب شخص بعدی از طریق شبکه‌های اجتماعی خود کمک می‌کند و همین‌طور تا آخر (وارن، ۱۳۸۴: ۱۸۰). قاعدتاً این شیوه نمونه‌گیری، زمانی کاربرد دارد که بنا به محدودیت‌های جامعه مورد بررسی، دسترسی راحت و بی‌دغدغه به افراد امکان‌پذیر نیست. با ورود به میدان تحقیق، در نهایت ۱۱ مورد نمونه معتبر انتخاب و مصاحبه بلند روایتی به انجام رسید.^۱ داده‌های این تحقیق، همچنان که پیش‌تر ذکر گردید، کاوش متن مصاحبه‌ها بر مبنای مضامین یاریگری بوده است.

۱- در باب موضوع حجم نمونه باید خاطر نشان ساخت که در تحقیقات کیفی مبنا و قاعده کلی بر «گزینش تدریجی» نمونه است. به این معنا که نمونه‌گیری بر مبنای مرتبط بودن موردها با تحقیق و نه نمایا بودن شان (آن چه در نمونه‌گیری آماری و روش‌های کمی رایج است) انجام می‌گیرد. علاوه بر این نمی‌توان در خلأ درباره نمونه‌گیری تصمیم گرفت. هیچ تصمیم یا استراتژی وجود ندارد که به خودی خود صحیح باشد. مناسب بودن ساختار و محتویات نمونه و در نتیجه مناسب بودن استراتژی رسیدن به این دو تنها بر اساس «سؤال تحقیق» قابل ارزیابی است: به چه مواردی و به چه تعدادی برای پاسخ به سؤال تحقیق نیاز است؟ (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۴۷-۱۴۱) از سوی دیگر نمونه‌گیری در تحلیل روایت به میزان بسیار زیادی مشابه روش نظریه‌مبنایی و مفهوم‌اشباع نظری است؛ اگر توسعه و ساخت نظریه در روش نظریه‌مبنایی به مدد مفهوم‌اشباع نظری و لزوم افزایش حجم نمونه در حین انجام تحقیق تا نیل بدان، ممکن می‌گردد، نمونه‌گیری در تحلیل روایت تا یافتن پیرنگ کلی از مجموعه روایت‌های منفرد و در نهایت تشکل روایت برآمده از تم‌های درون مضامین ادامه می‌یابد. بر همین اساس، به دلیل ممکن گشتن تشکل روایت برآمده از مجموعه مصاحبه‌های روایتی در پژوهش اصلی این تحقیق-که همان پایان‌نامه مذکور است- به نظر می‌رسد که این میزان حجم نمونه، کفایت نماید. با این حال مجدداً یادآوری می‌نمایم که هدف این مقاله، ثبت و طبقه‌بندی انواع یاریگری‌هایی است که در مواجهه با جنگ تحمیلی به وقوع پیوسته و اکنون از خلال مجموعه روایت‌های برخی از زنان جنگ زده امکان‌بازیبی شان فراهم شده است. به عبارت دیگر، این مقاله به محدودیت‌هایش در قبال بازنمایانه بودن داده‌های پژوهش خویش کاملاً واقف است.

روش تحلیل داده‌ها در مقاله پیش رو، روش تحلیل محتوای کیفی است. در این روش که در پی پاسخ دادن به روند شناسایی مضامین مشترک داده‌هاست، پژوهشگر بر مبنای عینیت معرفت شناسانه، از تفسیر داده‌ها به شدت کاسته و در پی طبقه‌بندی مضامین خواهد بود که در نتیجه، تحلیل محتوای مضمونی بیشتر تحلیلی توصیفی است (براون و کلارک، ۲۰۰۶: ۱۰۱). روش تحلیل محتوا به بررسی نظام مند و استخراج مجموعه مضامین و محتوای آشکار و پنهان در هر متنی اطلاق می‌شود. تحلیل محتوا بیشتر بر سطوح انضمامی و خرد متمرکز بوده و عمدتاً در پی نشان دادن فراوانی داده‌ها و امکان تحلیل کمی داده‌های کیفی است. (Buyatsise, 1998: 4) تلاش اصلی در این روش به گونه‌ای است که با «استقرای داده‌های کیفی و تلاش برای معناسازی، بتواند حجم زیادی از داده‌های کیفی را برای شناسایی همسازهای و معناهای درونی، مورد مطالعه قرار دهد. مراحل نوعی این روش تحقیق عبارتند از: آماده سازی داده‌ها، تعریف واحد تحلیل، تعیین طرح کدبندی، آزمودن طرح کدبندی روی متن یا محتوای مورد مطالعه، کدبندی کل متن، ارزیابی همسازهای مقوله‌ها، استنتاج از داده‌های کدبندی شده و گزارش روش‌ها و یافته‌ها» (محمدپور، ۱۳۹۰: ۱۰۰). با این همه، مهمترین تفاوت این روش با بیشتر روش‌های تحلیل کیفی، استفاده از مقوله‌هایی است که از مباحث نظری و اتصال آن‌ها به یک و یا چند نظریه ریشه گرفته است. «مقوله‌ها روی داده‌ها اعمال می‌شوند. مقوله‌های مذکور ضرورتاً براساس این داده‌ها تدوین نشده‌اند. البته این مقولات بارها براساس داده‌ها ارزیابی و در صورت نیاز اصلاح می‌شوند. نکته مهم در این روش این است که در این جا برخلاف سایر رویکردها، هدف تقلیل داده‌ها است.» (فلیک، ۱۳۸۷: ۳۴۷)

در انتها باید خاطر نشان ساخت که هدف از به کارگیری روش تحلیل محتوای کیفی، اساساً تقلیل متن مورد پژوهش براساس هدف و سوالات مطرح شده می‌باشد. محقق در دستیابی به این مهم، می‌بایست با به کارگیری تمام ویژگی‌های درونی داده‌های پژوهش یاد شده، به سان امکانات و ابزار تحلیلی خویش، به سامان دادن مضامین بر

مبنای تقطیع متن، طبقه‌بندی مضامین در ذیل مقولات و شمارش فراوانی‌های موجود در درون هر طبقه و مقوله و تفسیرهایی پیرامون آن نائل آید. در چشم‌اندازی کلان، می‌توان چنین گفت که در این روش ارتباط محقق با متن مورد پژوهش، ارتباطی پویاست و محقق است که ویژگی‌های درونی متن را واکاوی نموده و هر کجا که لازم بداند، با تدقیق الگوی نظری مورد استفاده خویش بر مبنای ضروریات پژوهش، مسیر دستیابی به هدف پژوهش را هموار می‌نماید. این در حالی است که در روش تحلیل محتوای کمی، خلاقیت محقق بسیار کمتر بوده و منطقی از پیش مشخص، بر تمام مسیر پژوهش حاکم خواهد بود. به عبارت دیگر تفاوت اصلی در تحلیل محتوای کمی، نه به کارگیری اعداد در تحلیل داده‌ها، بلکه تلقی محقق بسان ماشین کدگذاری است که محتوای مورد نظر را یکسان تلقی می‌نماید.

یکی از مباحث مهم و کمتر پرداخته شده در پژوهش‌های انجام شده با روش تحلیل محتوا، توضیح مبنایی است که بواسطه آن‌ها، محتوا و مضمون مربوطه، از متن بیرون کشیده و در ذیل مقوله‌ای جای می‌گیرند. هر چند که پیش از مواجهه با متن و با تکیه بر تعاریف ساخته شده از الگوهای تئوریک، محقق مسلح به میدان تحقیق پا می‌گذارد، اما به دلیل وجود جزئیات و حضور مضامین پنهان در هر متنی، نیازمند بکارگیری متمم‌هایی برای رعایت عینیت در انجام تحقیق خویش است. به عبارت دیگر، «قواعد کدگذاری» مشخص می‌نماید که در مواجهه با موارد کمتر مشخص در الگوهای نظری، محقق چگونه متن مورد مطالعه را در ذیل مقولاتی قرار خواهد داد. در همین راستا و با هدف شفاف شدن پروسه تحقیق، مواردی را که به نظر می‌رسیده است نیازمند توضیح باشند، مشخص می‌نماییم. پیش از پرداختن به قواعد کدگذاری تاکید می‌کنیم که تقسیم‌بندی انواع یاریگری‌ها به مثابه تعریف عملیاتی این پژوهش قلمداد شده و به کارگیری قواعد کدگذاری به منظور عینیت بخشیدن بیشتر به پژوهش می‌باشد.

از آنجایی که هدف این مقاله، پرداختن به مقوله انواع یاریگری‌ها در مواجهه با پدیده جنگ تحمیلی از خلال روایت زنان جنگ زده ساکن در شهرک شهید بهشتی

مشهد می‌باشد، بنابراین یاریگری‌های رخ داده شده‌ای که از فیلتر مواجهه، مشاهده و یادآوری عبور کرده و به هنگام مصاحبه با راویان این پژوهش، بازگویی شده باشند، ثبت شده و مبنای پژوهش قرار گرفته‌اند که در نتیجه، اساساً خصلتی بازنمایانه دارند. با آگاهی از این مهم، کاملاً مبرهن است که به دلیل همین ویژگی، بسیاری از یاریگری‌های رخ داده در جنگ تحمیلی، در این مسیر غایب خواهند بود. از سوی دیگر، هر چند که شیوه بیان در تمام اشکال مصاحبه‌ها محاوره‌ای است، اما در مصاحبه‌های روایی، این ویژگی تشدید شده که در نتیجه، از ثبت موارد تکراری که در زبان عامیانه بسیار متداول است، به عنوان مضمونی مجزا، چشم پوشی نموده‌ایم.^۱ یکی دیگر از مواردی که نیازمند توضیح است، قلمداد نکردن مواردی است که راوی با طعنه، آن را به عنوان نوعی کنش یاریگرانه نمی‌داند.^۲ با عطف به این موضوع، اساساً کنشی را به عنوان کنش یاریگرانه ثبت کرده‌ایم که از سویی، راوی آن را به عنوان نوعی یاریگری قلمداد نموده و به اثرات آن در طول مصاحبه، مشخصاً و یا تلویحاً اشاره نموده باشد و از سوی دیگر هر چند که وی به آن‌ها به مثابه کنش یاریگرانه اشاره نکرده باشد، اما بواسطه انجام آن کنش، به طور غیر قابل انکاری به شخص و یا اشخاصی منفعتی رسیده باشد. با تکیه بر منطق فرهنگی حاکم بر ارزش‌های پیرامون یاریگری و معیار قلمداد نمودن آن‌ها، مهمترین گونه یاریگری را دگریاری^۳ برشمرده‌ایم. در نتیجه، در صورتی که در کنشی، گونه‌ای یاریگری

۱- به طور مثال اگر در متن با موردی شبیه این جمله «آره خیلی به ما کمک کردند، لباس می‌آوردن، هر چی بگی بمون از نظر لباس رسیدگی کردن، خیلی، واقعا خیلی...» و مواردی شبیه آن برخورد نماییم، به عنوان یک مورد یاریگری ثبت خواهیم نمود.

۲- به طور مثال در این مورد «لباسایه... مثلاً من امروز هم لباس نو دارم هم لباس دست دوم دارم، می‌خوام کمک کنم، هم لباس نو می‌آرم هم لباس دست دوم. اونا چی کار می‌کردن؟ لباس نووا رو می‌بردن، لباس دست دوم می‌داشتن. مردمی که مجبور بودن نداشتن می‌گرفتن ای لباسای کهنه رو بپوشن، ولی منته ما که عادت نداشتیم ای لباسا رو بپوشیم، ورنه نمی‌داشتیم»، از آنجایی که راوی آن را واجد کنش یاریگرانه نمی‌داند، در نتیجه محتوای فعل یاریگری قلمداد نشده است.

۳- «فرهنگ ایرانی حداقل در دو هزاره گذشته، شدیداً طرفدار تو نیکی می‌کن و در دجله انداز بوده است، و کمک به امید تلافی را، کاری کارستان نمی‌دانسته است؛ و بر این باور بوده که «احسان هنری نیست به امید تلافی، نیکی

روایت و ثبت شده باشد که آن را بتوان هم دگریاری قلمداد نمود و هم سایر اشکال یاریگری‌ها؛ با رعایت این که مورد یاد شده مصداق کنش یاریگری ترکیبی نباشد، در نهایت، به صورت موردی از دگریاری تلقی نموده‌ایم. پرداختن به کنشی بدون مشخص شدن یاری دهنده و یاری گیرنده و چگونگی انجام آن، به مثابه مصداق کنش یاریگرانه تلقی نشده است. ماندن در مشاغل اداری همچون سازمان هلال احمر در اوج بمباران مناطق جنگی، به دلیل شدت میزان خطرات احتمالی آن، نوعی کنش یاریگرانه از نوع دگریاری تلقی شده است. انجام مسئولیت‌های کارمندان و نهادهای دولتی، در صورتی که به طور ویژه با هدف سامان دادن به مشکلات جنگ زدگان بوده است، به مثابه کنشی یاریگرانه ثبت شده است. واضح است که اگر تنها پرداختن به وظایف محوله، منظور بوده و خیر عمومی آن محدود به انجام مسئولیت‌های آنان بوده، نه کنشی یاریگرانه، بلکه انجام وظیفه‌ای بیش نخواهد بود. تمام اشکال یاریگری‌های نیروهای دولتی به جنگ‌زدگان از ابتدای جنگ تاکنون را دگریاری ناهمترازانه از نوع فرسویاری قلمداد نموده‌ایم، و در مقابل، هر گونه یاری رساندن مردمی از جمله جنگ زدگان در قبال پدیده جنگ تحمیلی، اعم از شرکت در جبهه و ماندن در مناطق جنگی به قصد دفاع از شهر و جنگیدن با دشمن و همچنین اجازه دادن به فرزندان نسبت به حضور در جبهه و نبرد با دشمن را، به دلیل این که یاری گیرنده آن دولت و تمام هم میهنان تصور شده‌اند، دگریاری ناهمترازانه فراسویاری تلقی نموده‌ایم؛ مگر آن که این یاری رساندن، معطوف به فرد و یا افراد مشخصی باشد. به طور مثال حضور در مراسم تشییع جنازه جمعی شهدا، از آنجا که در افزایش روحیه ملی هم میهنان نقش ویژه‌ای داشته، یاری گیرنده دولت و تمام هم میهنان به شمار رفته، نوعی دگریاری ناهمترازانه فراسویاری تلقی شده است، اما حضور جنگ زدگان ساکن در شهرک شهید بهشتی مشهد در مراسم قرآن خوانی و روضه شهیدی که از سوی خانواده ایشان منعقد می‌شده، کنش دگریاری همترازانه به

به کسی کن که به کار تو نیاید». انواع دیگر یاریگری، اگر چه بسیار وجود داشته، اما تا این اندازه ستوده نشده است. (فرهادی، ۱۳۸۹: ۷۵)

حساب آمده است. پر واضح است که در چنین صورتی و با توجه به نسبت بهره‌مندی از سرمایه‌های‌شان، آن طور که در ادامه بدان اشاره خواهد شد، همتراز و یا ناهمتراز با یکدیگر قلمداد خواهند شد. از سوی دیگر علاوه بر یادکرد نشانه‌هایی چون زمان، مکان و نحوه به شهادت رسیدن، ذکر اسامی شهدا نیز نشانه‌ای برای ثبت موردی به مثابه یاریگری به هم میهنان و دولت تلقی شده، اما مجروح و شهید شدن مردم عادی در مناطق جنگ زده، کنشی یاریگرانه محسوب نشده است. تمام اشکال دگریاری‌های انجام شده از سوی اعضای خانواده، خویشاوندان و دوستان به یکدیگر، همترازانه تلقی شده‌اند، مگر آن که در آن‌ها موارد مشخصی از ناهمترازی مشهود باشد. در تعیین همترازانه و ناهمترازانه بودن رابطه یاری دهنده و یاری گیرنده، با توجه به معیارهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و سنی، در صورت وجود تفاوت فاحش میان یاری گیرنده و یاری دهنده، رابطه ناهمترازانه تلقی خواهد شد، به طور مثال، کمک رساندن به کودکان خردسال از سوی بزرگسالان و همچنین یاری رساندن به سالمندان، در صورتی که با عدم رخ دادن چنین فعلی، ایشان در انجام کارهای‌شان ناتوان باشند، به زعم ما مصداق دگریاری ناهمترازانه از نوع فروسویاری می‌باشد. با این حال، در هنگام خروج از مناطق جنگ زده در صورتی که همراه کودکان، زن و یا زنان بزرگسالی باشند، دگریاری همترازانه خواهد بود.

تا پیش از خروج جنگ زدگان از خانه و شهر خویش و به دلیل مالکیت آنها بر دارایی‌های‌شان، همتراز با سایر مردم شمرده شده‌اند، اما با ترک خانه و شهر جنگ زده و به دلیل از دست دادن بخش عمده‌ای از سرمایه ایشان، آن‌ها را در وضعیت فرودستانه‌ای به نسبت سایرین تلقی نموده‌ایم. با این حال پس از اسکان ایشان در شهرک شهید بهشتی مشهد و به دلیل تلقی آغاز روند احیای زندگی و بهبود آن و تلاش برای بازسازی زندگی از سوی مهاجرین جنگ زده، تمام اشکال ارتباطات با مردم مشهد که در آن‌ها کنش یاریگری رخ داده است، در نسبتی همتراز تصور شده‌اند؛ مگر آن که براساس نشانه‌ای، تفاوت فاحشی را میان‌شان برداشت نماییم. از آنجایی که ماندن جنگ زدگان در شهر، از

یکسو منجر به حفاظت از دارایی‌های‌شان می‌شده و از سوی دیگر مانعی برای پیشروی آسان دشمن می‌گشته، بر همین مبنا به مثابه خوددگریاری، از انواع ترکیبی یاریگری‌ها تلقی نموده‌ایم. با این حال نفس از دست دادن خانه و دارایی‌ها در جنگ، به دلیل عدم حضور اختیار در انجام آن، کنشی یاریگرانه نخواهد بود. یاری رساندن به مجروحین، دگریاری ناهمترانه از نوع فروسویاری تلقی شده است. همسو با اتخاذ چنین رویکردی، بیرون کشیدن پیکر شهدا از زیر آوار، شستن و خاکسپاری آنان، کنش یاریگرانه با مختصات دگریاری ناهمترانه از نوع فروسویاری خواهد بود. از آنجا که زنان مورد مصاحبه در این پژوهش، بواسطه تجربه جنگ‌زدگی‌شان و اثرات آن، تا هم اکنون خود را جنگ زده تلقی می‌نمایند، لذا هرگونه مناسبات و کنش‌های یاریگرانه‌ای را که بر این اساس، میان آنها با خودشان و همچنین سایرین، اعم از نیروهای دولتی و مردم، پس از اسکان در شهرک شهید بهشتی رخ داده است، در ذیل کنش‌های یاریگرانه برآمده از تجربه جنگ‌زدگی قلمداد نموده‌ایم.

تحلیل داده‌ها

همچنان که پیش‌تر بدان اشاره گردید، تمرکز این پژوهش دستیابی به معرفتی علمی نسبت به پدیده یاریگری‌های صورت پذیرفته در مواجهه با پدیده جنگ‌تحمیلی در گستره‌ای ملی از خلال روایت‌های برخی از زنان جنگ‌زده ساکن در شهرک شهید بهشتی مشهود می‌باشد. مبنای کاوش متن، از یکسو اتکا به تعاریف انواع یاریگری‌ها با تمرکز بر محور اصلی یاریگری به عنوان الگوی مفهومی-نظری پژوهش، و از سوی دیگر ملاحظات روش‌شناختی تحلیل محتوای کیفی و قواعد کدگذاری، آن چنان که تشریح گردید، خواهد بود. بر همین اساس، با تقطیع هر مصاحبه براساس واحد تحلیل-جمله و حضور کنش یاریگرانه در آن-مصادیق هر یاریگری استخراج شده و در جدولی که در آن ابعاد محوری و به عبارتی ذاتی هر کنش یاری-یاری دهنده، یاری گیرنده و مضمون و نوع یاریگری-مشخص شده، قرار خواهند گرفت. با طی این مسیر و با تکیه

بر ویژگی‌های درونی خروجی‌های جداول، سعی شده تا بر مبنای محور و یا محورهایی، مرحله مقوله بندی کامل شده و از حیث نوع، کیفیت، کمیت و پراکندگی‌های موجود با تاکید بر نوع یاریگری ذکر شده، در نهایت تفسیر و یا تفاسیری پیرامون آن‌ها ارائه شود.

انواع یاریگری‌های روایت شده توسط زنان جنگ زده

به طور کلی در مجموع ۴۰۴ مورد یاریگری، روایت و ثبت گردید. مبنای اساسی طبقه‌بندی، مشابهت افراد براساس نحوه مواجهه با پدیده جنگ تحمیلی و کنش یاریگرانه در قبال آن بوده است. بر این مبنای، تمام مضامین یاریگری‌ها را می‌توان در پنج مقوله اصلی «یاریگری‌های دولتی - در معنای عام - به جنگ زدگان»، «یاریگری‌های مردمی به جنگ زدگان»، «یاریگری‌های جنگ زدگان به یکدیگر»، «یاریگری‌های جنگ زدگان به هم میهنان و دولت» و در نهایت «یاریگری‌های مردمی به هم میهنان و دولت» طبقه‌بندی نمود. پراکندگی مضامین یاریگری در مقولات اصلی بدین شرح است: «یاریگری‌های دولتی به جنگ زدگان» با ۸۹ تکرار، «یاریگری‌های مردمی به جنگ زدگان» با ۷۸ تکرار، «یاریگری‌های جنگ زدگان به یکدیگر» با ۱۶۲ تکرار، «یاریگری‌های جنگ زدگان به هم میهنان و دولت» با ۶۱ تکرار و «یاریگری‌های مردمی^۱ به هم میهنان و دولت» با ۱۳ تکرار. در ادامه به طور مجزا، به مدد جداول هر مقوله اصلی، مقولات فرعی، مضامین و نوع کنش‌های یاریگرانه را به همراه فراوانی‌های خام و درصدی‌شان، ارائه داده و به توضیح آن خواهیم پرداخت.

۱- منظور از مردم، تمام ایرانیان به استثنای مردم جنگ زده است. مراد از یاریگری‌های مردمی، آن دسته از کنش‌هایی است که پس از وقوع جنگ تحمیلی، از سوی هم میهنان و بر مبنای ویژگی‌های مفهومی یاریگری، انجام پذیرفته است.

جدول ۱- انواع یاریگری‌های روایت شده توسط زنان جنگ زده

ردیف	نوع	میزان فراوانی خام	میزان فراوانی درصدی
۱	یاریگری‌های نیروهای دولتی به جنگ زدگان	۸۹	۲۲,۱٪
۲	یاریگری‌های مردمی به جنگ زدگان	۷۸	۱۹,۳٪
۳	یاریگری‌های جنگ زدگان به یکدیگر	۱۶۱	۴۰,۳٪
۴	یاریگری‌های جنگ زدگان به هم میهنان و دولت	۶۳	۱۵,۲٪
۵	یاریگری‌های مردمی به هم میهنان و دولت	۱۳	۳,۲٪
	جمع کل	۴۰۳	۱۰۰٪

۱- یاریگری‌های دولتی به جنگ زدگان

یاریگری‌های دولتی به جنگ زدگان مجموعاً ۸۹ بار در روایت‌های این زنان فراوانی داشته است. این مقوله خود شامل پنج مقوله فرعی: «یاریگری‌های نیروهای نظامی به جنگ زدگان»، «یاریگری‌های ستادهای اولیه اسکان به جنگ زدگان»، «یاریگری‌های امام خمینی (ره) به جنگ زدگان»، «یاریگری‌های بنیاد امور جنگ زدگان به جنگ زدگان» و «یاریگری‌های مسئولین و نیروهای دولتی به جنگ زدگان» می‌باشد.

همچنان که در بخش قواعد کدگذاری اشاره شد، تمام دگریاری‌های ثبت شده از سوی نیروهای دولتی به جنگ زدگان از نوع ناهمترانه فرسویاری تلقی شده است. این یاریگری‌ها که در واقع پاسخی نسبت به حل مشکلات عدیده مردم مناطق جنگ زده بوده است، عمدتاً شامل سامان دادن به وضعیت بحرانی در شهرهای مورد هجوم و تسهیل خروج مردم، احداث مکان‌های اسکان موقت و تامین مواد اولیه غذایی است. صدور فرمان تشکیل بنیاد امور جنگ زدگان از سوی امام خمینی (ره) به دولت شهید رجایی و پیام ایشان خطاب به مردم و بویژه مردم شهرهای میزبان جنگ زدگان در برخورد مناسب نسبت به مهاجرین جنگ زده، منجر به بهبود وضعیت آنان گشت و در

نتیجه شاهد آن هستیم که در بخش‌های دیگری از نیازهای آنان از جمله توجه به امر تحصیل و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و برنامه‌های فراغتی کودکان و جوانان جنگ زده، اختصاص وسایل حمل و نقل عمومی و تلاش در جهت تعمیر و یا ایجاد سرپناه برای این افراد و همچنین اختصاص درآمد ماهیانه به افراد بی بضاعت، تلاش‌هایی صورت پذیرد. به دلیل حجم بسیار بالای مهاجرین جنگی و گستردگی نیازهای آنان، تمرکز کنش‌های یاریگرانه دولتی بیش از همه متمرکز بر رفع نیازهای اولیه آنان بوده و بدیهی است که جنگ زدگان نیازمند بهره گرفتن از سایر فعالیت‌های یاریگرانه در قبال خویش بوده‌اند. از سوی دیگر می‌توان مقطعی بودن یاریگری‌های دولتی نسبت به جنگ زدگان را مشاهده نمود، به گونه‌ای که از میزان این مقوله از یاریگری‌ها به مرور و با پایان گرفتن و بهبود و رفع نیازهای اولیه جنگ زدگان کاسته شده است.

جدول ۲- یاریگری‌های دولتی به جنگ زدگان

ردیف	مقولات یاریگری	مضامین یاریگری	نوع یاریگری	میزان فراوانی خام	میزان فراوانی درصدی
۱	نیروهای نظامی	صدور دستور و یا پیشنهاد خروج از شهر به مردم	دگریاری ناهمترازانه فرسویاری	۸	۹٪
		تهیه بنزین و اتومبیل برای خروج مردم از شهر	دگریاری ناهمترازانه فرسویاری		
		راهنمایی مسیر خروج به جنگ زدگانی که راه‌شان را گم کرده‌اند	دگریاری ناهمترازانه فرسویاری		

		۱	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	دور ساختن مردم از مناطق جنگی و رساندن آنان به مناطق امن تر		
		۱	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	تأمین مایحتاج و اقلام خوراکی		
۱۱,۲٪	۱۰	۹	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	اسکان جنگ زدگان در سرپناه‌های موقت و سامان دادن به وضعیت آنها	ستادهای اسکان اولیه	۲
		۱	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	تأمین غذا		
۶,۷٪	۶	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	صدور فرمان تأسیس بنیاد جنگ زدگان به دولت و لزوم رسیدگی بیشتر به آنان و توصیه به مردم شهرهای میزبان نسبت به استقبال و پذیرایی از مهاجرین جنگ زده	امام خمینی (ره)	۳	
۴۹,۵٪	۴۴	۱۵	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	تهیه خانه و سرپناه برای جنگ زدگان و کمک به بازسازی خانه‌های جنگ زدگان پس از آزادسازی شهرهای جنگ زده	بنیاد جنگ زدگان	۴
		۱۰	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	تهیه اقلام خوراکی و غذا برای جنگ زدگان		
		۵	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	اختصاص دادن وسایل حمل و نقل در مناطق اسکان جنگ زدگان		

		۴	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	تهیه وسایل منزل و اثاثیه		
		۳	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	در نظر گرفتن پول و حقوق ماهیانه برای آنان		
		۲	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	تهیه پوشاک و البسه		
		۳	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	در نظر گرفتن کلاس‌های آموزشی به منظور خودکفا نمودن زنان و هم چنین تهیه وسایل سرگرمی برای جنگ زدگان		
		۲	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	سرزدن به خانواده‌های رزمندگان		
۲۳,۶٪	۲۱	۶	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	حمایت مالی و دادن تسهیلات به جنگ زدگان بدون پرداخت بهای آن	نیروهای دولتی	۵
		۵	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	دادن سرپناه‌های موقتی و سازمانی و فروش قسطی منازل با قیمت بسیار کم به جنگ زدگان		
		۴	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	حمایت از جنگ زدگان و دلگرمی دادن به آنان		

		۲	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	بیرون کشیدن پیکرهای شهدای بمباران از زیر آوار در مناطق جنگی	
		۲	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	نجات نوزاد یتیم از آماج بمباران و نگهداری از وی تا پیدا شدن خویشاوندان	
		۱	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	یاری در خروج جنگ زدگان از مناطق جنگی	
		۱	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	فراهم ساختن امکان تحصیل کودکان در شرایط جنگی	
۱۰۰٪	۸۹	جمع کل			

۲- یاریگری‌های مردمی به جنگ زدگان

یاریگری‌های مردمی به جنگ زدگان در مجموع ۷۸ بار در روایت‌های این زنان تکرار شده است. این طبقه خود به ۸ مقوله فرعی طبقه‌بندی شده است و شامل یاریگری‌های «اعضای خانواده»، «خویشاوندان»، «دوستان»، «شرکت‌های خصوصی به کارمندان جنگ‌زده‌شان»، «خیرین در آوارگی»، «شهروندان مشهدی به مهاجرین ساکن در مشهد»، «نیروهای دولتی که فارغ از وظیفه و ورای آن به جنگ زدگان یاریگری نموده‌اند» و سرانجام «خیرین غیر مشهدی در مشهد» می‌باشد. اساس این تقسیم‌بندی، توجه به میزان دوری و نزدیکی یاری دهندگان به جنگ زدگان است. اعضای هر خانواده نزدیک‌ترین نسبت و پس از آن خویشاوندان و دوستان تلقی شده‌اند. تمام جنگ زدگان در مناطق

جنگی اعم از همشهریان می‌باشند. جنگ زدگان با خروج از شهر و خانه خویش^۱ در ابتدا به روستاهای نزدیک، مهاجرتی با نیتی چند روزه را آغاز نمودند. اما دیری نپایید که این مناطق به ظاهر امن نیز، از هجوم حملات و بمباران‌ها در امان نماندند. بر همین اساس و مشخص نبودن هویت جنگ زدگان بر مبنای همشهری بودن در برخی موارد، لذا تمرکز اصلی در تشخیص هویت‌شان، حضور در موقعیت فیزیکی جنگی قلمداد شده است. زنان این پژوهش و خانواده‌های‌شان، پس از ترک خانه و تا پیش از اسکان در شهرک شهید بهشتی مشهد، در شهرها و روستاهای مختلفی آواره بودند. لذا رخ دادن هر کنش یاریگرانه در این برهه زمانی را «یاریگری در آوارگی» نامیدیم. همچنان که ذکر شد، در مورد مقوله نیروهای دولتی که فارغ از وظیفه و ورای آن به جنگ زدگان یاری رساندند، مبنای کنش یاریگری، انجام یاری بواسطه مسئولیت مورد نظر نبوده و اساسا راویان در حین روایت خویش از جنگ، همواره از آنان به نیکی یاد می‌کردند. به دلیل تاکید زنان این پژوهش بر اهمیت یاری آنان به جنگ زدگان، این گونه یاریگری‌ها را در مقوله‌ای مجزا و بدون توجه به حضور آنان در محدوده جغرافیایی، تلقی نموده‌ایم.

اگر چه میزان فراوانی مقوله یاریگری‌های مردمی به جنگ زدگان، نسبت به مقوله پیشین کمتر است، اما تنوع بیشتری از کنش‌های یاریگرانه را در این مقوله شاهد هستیم. دلیل این امر را شاید بتوان از سویی به مناسبات میان یاری دهندگان با یاری گیرندگان-خانوادگی، خویشاوندی و دوستانه- و همچنین ارتباطات چهره به چهره و به دور از قواعد بوروکراتیک حاکم بر فعالیت‌های دولتی یاری دهندگان با یاری گیرندگان، مربوط دانست. با این همه، به استثنای یک مورد خودیاری مشاع، سایر کنش‌های یاریگری، همان دگریاری ناهمترانه از نوع فروسویاری است.

۱- تُه نفر از زنان مورد مصاحبه به هنگام شروع جنگ ساکن خرمشهر بودند و دو نفر دیگر در آبادان زندگی می‌کردند.

جدول ۳- یاریگری‌های مردمی به جنگ زدگان

ردیف	مقولات یاریگری	مضامین یاریگری	نوع یاریگری	میزان فراوانی خام	میزان فراوانی درصدی
۱	اعضای خانواده	پناه دادن به اعضای خانواده	دگریاری ناهمترازانه فرسویاری	۲	۲,۶٪
		تامین بخشی از امکانات زندگی جنگ زدگان	دگریاری ناهمترازانه فرسویاری		
۲	خویشاوندان	اسکان جنگ زدگان	دگریاری ناهمترازانه فرسویاری	۱۵	۱۹,۲٪
		تلاش برای خارج کردن جنگ زدگان از مناطق جنگی	دگریاری ناهمترازانه فرسویاری		
		تامین غذا و پوشاک و اسکان آنان در منازل خویش و یا تامین خانه برایشان	دگریاری ناهمترازانه فرسویاری		
		مهیا کردن امکان ادامه تحصیل فرزندان جنگ زدگان	دگریاری ناهمترازانه فرسویاری		
۳	دوستان	دعوت جنگ زدگان به خانه خویش، دادن سرپناه به آنها و پذیرایی کامل از آنان	دگریاری ناهمترازانه فرسویاری	۱۲	۱۵,۴٪

		۱	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	تامین مایحتاج جنگ زدگان در مناطق امن به طور کامل		
		۲	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	تلاش برای خارج کردن خانواده جنگ زدگان از معرکه		
۲۵,۶٪	۲۰	۱	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	کمک به مهاجرین در رسیدن به مناطق امن	خیرین در آوارگی	۴
		۱۰	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	تامین اقلام ضروری و مایحتاج		
		۵	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	اسکان و پناه دادن به جنگ زدگان و دعوت از آنان		
		۲	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	دایر نمودن مکان و فراهم نمودن اجناس کاسبی جنگ زدگان		
		۱	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	دادن پول به کودکان جنگ زده		
		۱	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	تشکیل کلاس‌های قرآنی برای جنگ زدگان و فراهم کردن برخی اقلام مایحتاج آنان در پایان کلاس		

سنخ‌شناسی یاریگری‌ها در جنگ بر اساس ... ۱۸۷

۳,۹%	۳	۲	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	کمک به مهاجرین در رسیدن به مناطق امن	شرکت‌های خصوصی به کارمندان جنگ زدهشان	۵
		۱	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	کمک به خروج کارمندان و خانواده ایشان از مناطق جنگی		
۱۹,۲%	۱۵	۵	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	دادن سرپناه به آنان	نیروهای دولتی که فارغ از وظیفه و ورای آن به جنگ زدگان یاریگری نموداند	۶
		۳	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	تامین امنیت خانواده جنگ زدگان مانده در مناطق جنگی		
		۱	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	دادن پول به جنگ زدگان برای خروج از منطقه جنگی		
		۳	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	حمایت و دلگرمی جنگ زدگان و قول ساماندهی وضعیت آنها		
		۲	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	تامین مایحتاج و خوراک جنگ زدگان		
		۱	خوددگریاری	پذیرفتن مسئولیت احداث وسایل ورزشی و چمن کاری شهرک		
۱۱,۵%	۹	۳	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	فراهم ساختن امکان اسکان جنگ زدگان در منزل خود	شهروندان	۷

		۳	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	تامین مایحتاج مورد نیاز در زمان جنگ	مشهدی به مهاجرین ساکن در مشهد
		۱	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	اختصاص دادن بخشی از محصولات باغ خویش به آن‌ها تا اکنون	
		۲	دگریاری همترازانه- خودیاری مشاع	فعالیت‌های عام المنفعه به اهالی شهرک	
۲,۶٪	۲	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	تاسیس حسینیه برای اهالی شهرک	خیرین غیر مشهدی در مشهد	۸
۱۰۰٪	۷۸	جمع کل			

۳- یاریگری‌های جنگ زدگان به یکدیگر

یاریگری‌های جنگ زدگان به یکدیگر در روایات این زنان جنگ زده، پربسامدترین و پرتکرارترین انواع یاریگری‌ها بوده و ۱۶۲ بار مصادیق آن روایت شده است. یاریگری‌های جنگ زدگان به یکدیگر را در ۶ مقوله دسته بندی نموده‌ایم: «یاریگری‌های اعضای خانواده جنگ زده به یکدیگر»، «یاریگری‌های خویشاوندان جنگ زده به یکدیگر»، «یاریگری‌های دوستان جنگ زده به یکدیگر»، «یاریگری‌های جنگ زدگان به یکدیگر در مناطق جنگی»، «یاریگری‌های جنگ زدگان به یکدیگر در آوارگی»، «یاریگری‌های اهالی جنگ زده شهرک شهید بهشتی مشهد به یکدیگر».

با عطف به تداوم تجربه جنگ زدگی در میان زنان این پژوهش، شاهد بیشترین فراوانی و تنوع مضامین کنش‌های یاریگرانه در این مقوله از یاریگری هستیم. جنگ زدگان به دلیل تجربه مشابه جنگ زدگی در معنای عام که با وقوع جنگ تحمیلی آغاز شده و پس از طی مصائب دوران آوارگی، با اسکان در شهرک شهید بهشتی همچنان تداوم داشته است، و همچنین تجربیات مشابه با نزدیکان از جمله اعضای خانواده، خویشاوندان، دوستان و هم محله‌ای‌ها و همشهریان، به مثابه تجربیات خاص در پاسخ به شرایط ویژه موقعیت‌شان، بیشترین کنش‌های یاریگرانه را نسبت به یکدیگر، تحقق بخشیدند. بر همین مبنا شاهد اشکال و مضامین متنوع‌تری از کنش‌های یاریگرانه‌ای هستیم که با توجه به منطق یاریگری، یاری دهندگان و یاری گیرندگان و موضوع و نحوه‌اری در بردار زمانی کنش، در مقایسه با سایر مقولات یاریگری‌های این پژوهش، از شمول، گستردگی و تنوع بیشتری برخوردار است.

جدول ۴- یاریگری‌های جنگ زدگان به یکدیگر

ردیف	مقولات یاریگری	مضامین یاریگری	نوع یاریگری	میزان فراوانی خام	میزان فراوانی درصدی	
۱	اعضای خانواده به یکدیگر	آماده کردن مکان اسکان برای اعضای خانواده، ایجاد پناهگاه برای کودکان، پذیرش اعضای خانواده پس از یافتن یکدیگر و مهیا کردن مکانی برای اسکان آنان	دگریاری ناهمترانه فراسویاری- دگریاری همترانه- خود یاری مشاع	۷	۳۳	۲۰,۴٪
		پشتیبانی از یکدیگر در دوران آوارگی در برابر غریبه‌ها و حمایت از تصمیمات یکدیگر، تنها نگذاشتن یکدیگر	همیاری- دگریاری همترانه	۵		

	۱	دگریاری ناهمترازانه فراسویاری	از رنج خود با سایرین سخن نگفتن به منظور عدم نگران ساختن آنان		
	۱	خودیاری مشاع	یاری رساندن در ایجاد شغل و درآمد		
	۳	خود یاری مشاع- خود دگریاری	هم خانه شدن با یکدیگر برای جلوگیری کردن از هم خانه شدن با خانواده‌ای غریبه		
	۴	دگریاری همترازانه- دگریاری ناهمترازانه فروسویاری- خوددگریاری	اولویت دادن به زنان و کودکان و حمایت از آنان در خروج از شهر		
	۱	دگریاری همترازانه	فراهم کردن وسایل خروج دسته جمعی از شهر		
	۴	دگریاری همترازانه- دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	آگاهی دادن از خطرات احتمالی و تلاش برای نجات جان اعضای خانواده از خطرات و بمباران‌ها		
	۴	دگریاری همترازانه- خوددگریاری	رساندن مایحتاج (خوراک و پوشاک) در شرایط سخت		

سنخ‌شناسی یاریگری‌ها در جنگ بر اساس ... ۱۹۱

		۳	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	سرپرستی از یتیمان خانواده بدون داشتن مسئولیتی در قبال آنان در شرایط دشوار		
۲۲,۸٪	۳۷	۱۲	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری- دگریاری همترازانه- خودیاری مفروز- خود دگریاری	اولویت دادن به ناتوانان و کودکان برای خروج و رساندن کودکان در راه مانده، حفاظت و حمایت از زنان به هنگام خروج، کاستن از رنج سفر با همراهی یکدیگر، خروج دسته جمعی با وسایل نقلیه شخصی	خویشاوندان به یکدیگر	۲
		۷	خودیاری مشاع	جمع شدن در یک مکان برای دلگرمی و حمایت و غلبه بر ترس، تقسیم محل اسکان میان خویش و تلاش جهت آماده کردن مکان اسکان برای سکنی گزیدن		
		۷	خود دگریاری- دگریاری ناهمترازانه فروسویاری- همیاری	تامین اقلام ضروری و مایحتاج با وجود مصائب فراوان		
		۳	دگریاری همترازانه	پناه دادن به خویشاوندان جنگ زده و دعوت از خویشاوندان برای زندگی با آنها		

		۳	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری- دگریاری همترازانه	تنها نگذاشتن خویشاوندان و تلاش برای زندگی در یک مکان، ماندن در شهر جنگ زده تا زمانی که یکی از افراد مسن از شهر خارج نشده است		
		۳	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	حمایت از کودکان و دلداری دادنشان و کمک به آنها		
		۲	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری- دگریاری همترازانه	یاری رساندن به هنگام رخ دادن سانحه‌ای ناگوار، نجات و بیرون کشیدن از زیر آوار و دلداری و تسلی دادن		
۳,۱٪	۵	۳	دگریاری همترازانه	کمک به خروج از مناطق جنگ زده و اسکان در مناطق امن	دوستان به یکدیگر	۳
		۱	دگریاری همترازانه	نجات جان و بیرون کشیدن از زیر آوار		
		۱	دگریاری همترازانه	همراهی در یافتن خانواده‌ی گمشده		
۱۷,۳٪	۲۸	۱۰	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	تلاش برای نجات زخمی‌ها	جنگ زدگان به یکدیگر در مناطق جنگی	۴
		۶	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	بیرون کشیدن پیکر شهدا، شستن و خاکسپاری آنان		

		۳	دگریاری همترازانه	تلاش برای بهبود اوضاع، کمک به نیازمندان مانده در مناطق جنگی		
		۱	خود دگریاری	حمایت و راهنمایی و تشویق مردم به کمک و یاری از سوی امام جمعه آبادان (آقای جمی)		
		۳	دگریاری همترازانه	تلاش برای خروج جنگ زدگان از مناطق جنگی		
		۳	دگریاری همترازانه- خودیاری مشاع	پناه بردن در حسینیه و ماندن دسته جمعی در سرپناه‌ها، ساختن پناهگاه برای خوابیدن در شب، و تفکیک حسینیه با چادر میان زنان و مردان برای راحتی مردم		
		۲	دگریاری همترازانه	تسلی و دلگرمی دادن		
۱۴,۲٪	۲۳	۱۱	دگریاری همترازانه- همیاری- دگریاری همترازانه	ابراز حمایت از یکدیگر و رفع مشکلات پیش آمده و بودن در غم و شادی و ابراز همدردی با یکدیگر	جنگ زدگان به یکدیگر در آوارگی	۵
		۱	خود دگریاری	جمع شدن شبانه و پیدا کردن هوایماها در تاریکی شب و نگاه کردن به آنان به عنوان بازی شبانه		

		۴	دگریاری همترازانه- خودیاری مفروز- خود دگریاری	کمک در مواقع اضطراری و لزوم بهره‌گیری از نیروهای جمعی در حل مشکلات		
		۲	خودیاری مشاع	استفاده به‌اندازه و در حد نیاز از کمک‌های خیرین به منظور استفاده سایر جنگ زدگان از کمک‌ها		
		۲	خودیاری مشاع	اعتراض به مسئولین محل اسکان جنگ زدگان برای بهبود اوضاع		
		۲	خودیاری مشاع	زندگی در اماکن اسکان مشترک و تلاش جمعی برای بهبود بهداشت		
		۱	خودیاری مفروز	خروج دسته جمعی با وسایل نقلیه عمومی برای رسیدن به شهری امن		
۲۲,۲٪	۳۶	۱۳	دگریاری همترازانه- همیاری	حضور در فعالیتهای جمعی و عام المنفعه	اهالی شهرک به یکدیگر	۶
		۹	همیاری- خودیاری مشاع	تأمین امنیت بالای شهرک و حفظ آن و حل مشکل خرید و فروش مواد مخدر در شهرک به طور گروهی		

	۷	همیاری	روابط دوستانه گرم و دید و بازدید مستمر اهالی از یکدیگر
	۶	خود دگریاری- همیاری- دگریاری همترازانه	کمک و یاری نسبت به یکدیگر در مواقع غم و شادی
	۱	خودیاری مشاع	زندگی چند خانواده در کنار یکدیگر در یک خانه
۱۰۰٪	۱۶۲	جمع کل	

۴- یاریگری‌های جنگ زدگان به هم میهنان و دولت

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، در بخش «یاریگری‌های جنگ زدگان به هم میهنان و دولت»، مجموعاً ۶۱ مورد یاریگری روایت شده است. یاریگری‌های یاد شده براساس یاری گیرندگان، به شش مقوله فرعی تقسیم شده‌اند: «یاریگری‌های جنگ زدگان به دولت و هم میهنان»، «یاریگری‌های جنگ زدگان به مردم شهرهای میزبان در زمان آوارگی»، «یاریگری‌های جنگ زدگان به رزمندگان»، «یاریگری‌های جنگ زدگان به مردم مشهد»، «یاریگری‌های جنگ زدگان به مردمی که برای بازسازی مناطق جنگ زده استخدام شده بودند» و «یاریگری‌های جنگ زدگان به دوستان‌شان».

اگر چه در این مقوله از یاریگری‌ها، در مقایسه با یاریگری‌های جنگ زدگان به یکدیگر، چه از حیث فراوانی و چه از منظر تنوع مضامین و نوع یاریگری‌ها، مضامین کمتری را شاهد هستیم، با این حال از منظر تنوع مضامین و نوع یاریگری‌ها در مقایسه با سایر مقولات، کنش‌های یاریگرانه متنوع‌تری را مشاهده می‌نماییم. در تفسیر این پدیده شاید بتوان چنین گفت که جنگ زدگان به مثابه مهمترین گروه درگیر و به دلیل حضور

در بطن میدان جنگ، تا آنجا که در توان‌شان بوده، خود را موظف به حل مشکلات پیش آمده، - حتی فقط با ماندن در شهرها و مناطق جنگ زده- می‌دانستند. آنها پس از خروج از مناطق جنگ زده، از یکسو با تامین بخشی از نیازهای رزمندگان در پشت جبهه‌ها و از سوی دیگر با بودن مردان‌شان در میدان جنگ، حضور پررنگی در دوران جنگ داشته‌اند. بر همین اساس می‌توان چنین گفت که تجربه جنگ زدگی، روحیه مسئولیت پذیری بیشتری را در آنان به وجود آورده است، به گونه‌ای که با متحقق شدن اندکی از نیازهای‌شان در مناطق دور از جنگ، در جهت انجام مسئولیت‌های جمعی‌شان نسبت به رزمندگان و همچنین شهروندان آن مناطق، فعالانه حضور داشته‌اند.

جدول ۵- یاریگری‌های جنگ زدگان به هم میهنان و دولت

ردیف	مقولات یاریگری	مضامین یاریگری	نوع یاریگری	میزان فراوانی خام	میزان فراوانی درصدی
۱	دولت و هم میهنان	حضور در مناطق جنگی و جنگیدن با دشمن	دگریاری ناهمترازانه فراسویاری	۴۴	۷۲٪
			دگریاری ناهمترازانه فراسویاری		
			دگریاری ناهمترازانه فراسویاری		
			دگریاری ناهمترازانه فراسویاری		
		کمک به رزمندگان در مناطق جنگی به قصد دفاع از شهر و دفاع از میهن با عدم ترک شهر و خانه خویش	دگریاری ناهمترازانه فراسویاری		

سنخ‌شناسی یاریگری‌ها در جنگ بر اساس ... ۱۹۷

		۱۰	خود دگریاری	ماندن در شهر جنگ زده به قصد حفاظت از دارایی‌های‌شان که مانعی برای پیشروی آسان دشمن می‌شده است		
		۱	دگریاری همترازانه	خدمت به زائرین امام رضا (ع) به عنوان خادم		
۳٪	۲	۱	همیاری	تلاش برای آباد کردن شهر سربندر	مردم شهرهای میزبان مهاجرین در زمان آوارگی	۲
		۱	خود دگریاری	تزییقات رایگان و تحویل داروهای مورد نیاز به مردم بندرلنگه و دریافت مقادیر قابل توجهی ماهی صید شده بومیان در برابر آن		
۵٪	۳		دگریاری ناهمترازانه فراسویاری	تلاش در جهت تامین اقلام مورد نیاز رزمندگان با وجود نیازمندی خود	رزمندگان حاضر در جبهه	۳
۱۱,۴٪	۷	۶	دگریاری همترازانه- دگریاری ناهمترازانه فراسویاری	حضور در مراسم بدرقه رزمندگان با درست کردن آش، تشییع پیکر شهدا، مجالس ختم، روضه خوانده آنان و ادای احترام به ایشان، قدردانی کردن از کسانی که به جنگ زدگان یاری رسانده‌اند	مردم مشهد	۴
		۱	دگریاری همترازانه	با گشاده رویی از میهمانان غریبه در شهرک شهید بهشتی مشهد پذیرایی کردن		

۳٪	۲	دگریاری همترازانه	تعطیل کردن کار بازسازی به علت جلوگیری از خطرات احتمالی مانند انفجار بمب‌های باقی مانده در زیر آوار	افرادی که برای بازسازی مناطق جنگ‌زده استخدام شده‌اند	۵
۵٪	۳	دگریاری همترازانه- دگریاری ناهمترازانه فراسویاری	با احترام با میزبانان برخورد کردن (ادای احترام نسبت به آنان و پذیرایی از آنان)	دوستان	۶
۱۰۰٪	۶۱	جمع کل			

۵- یاریگری‌های مردمی به هم میهنان و دولت

«یاریگری‌های مردمی به هم میهنان و دولت»، مجموعاً ۱۳ مرتبه تکرار شده است. این مضامین را می‌توان در دو مقوله فرعی یاریگری‌های مردم مشهد به هم میهنان و دولت و یاریگری‌های سایر ایرانیان به هم میهنان و دولت تقسیم نمود. در یاریگری‌های مردم مشهد مجموعاً ۱۰ بار اشاره به شهدا و تشییع پیکرشان و ذکر نام یکی از شهدای مشهد و اعزام رزمندگان به جبهه اشاره شده است. در یاریگری‌های سایر هم میهنان نیز دو مورد شهادت هم میهنان که یک مورد آن وقوع شهادت یکی از جوانان خوزستانی و مورد دیگر به شهادت رسیدن یکی از اهالی شیراز و در یک مورد هم حضور جوانان شهرهای غیرجنگ‌زده به قصد دفاع از میهن روایت و ثبت شده است.

جدول ۶- یاریگری‌های مردمی به هم میهنان و دولت

ردیف	مقولات یاریگری	مضامین یاریگری	نوع یاریگری	میزان فراوانی خام	میزان فراوانی درصدی
۱	یاریگری‌های مردم مشهد به هم میهنان و دولت	حضور رزمندگان در جبهه‌ها	دگریاری ناهمترازانه فراسویاری	۱۰	۷۷٪
			دگریاری ناهمترازانه فراسویاری		
۲	یاریگری‌های سایر ایرانیان به هم میهنان و دولت	حضور رزمندگان در جبهه‌ها	دگریاری ناهمترازانه فراسویاری	۳	۲۳٪
			دگریاری ناهمترازانه فراسویاری		
جمع کل			۱۳	۱۰۰٪	

به منظور شفافتر شدن نحوه استخراج محتوای مربوطه از متن مصاحبه‌ها، به طور نمونه مواردی انتخاب شده و براساس جدول و فرم ثبت داده ارائه می‌گردد:

جدول ۷- نحوه ثبت و کدگذاری محتوای کنش یاریگری

ردیف	مصادق یاریگری	یاری دهنده	یاری گیرنده	موضوع یاریگری	نوع یاریگری	راوی
۱	ما اینجا که اومدیم با یه خانواده‌ای آشنا شدیم، اینا مانه که دیدن مانه بردن خونشون، سه ماه نمودنم چار ماه با اونا نشسته بودیم. یعنی انقدر بمون کمک کردن، انقدر بمون رسیدگی کردن که حدی نداره	خانواده مشهدی	ناجیه و خانواده‌اش	اسکان ایشان در خانه خویش به مدت سه چهار ماه	دگریاری ناهمترازانه فرسواری	ناجیه
۲	بچه‌هایه خود شهرک، بسیج شهرک، مرداشون پایه عده از بچه‌هایه دیگم جم شدن، جلو هر کسی که می‌خواست وارد بشه ازش می‌پرسیدن کجا می‌خوای بری؟ آگه می‌دیدن معتاده می‌زدنش، می‌کردنش بیرون	اهالی شهرک	اهالی شهرک	برقرار کردن امنیت و رفع مشکل مواد مخدر	خودیاری مشاع	فاطمه
۳	جلویه هر خونه {هر کی} برایه خودش یکی از این بشکه‌هایه ۲۰۰ لیتریا بزرگ گذاشته که	خانواده جنگ زدگان در آوارگی	خانواده جنگ زدگان در آوارگی	کمک و یاری در پر کردن آب بشکه‌ها در شب به	خودیاری مفروز	زینب

		<p>صورت گروهی با همکاری همه مهاجرین جنگ زده ساکن در امیدیه</p>			<p>شب که آب قوی می‌شه شروع کنه به پر کردن. شب می‌رفتیم. یه بشکه آب ور می‌داشتیم رو سرمون می‌داشتیم میاوردیم تو ایی مسیر. شب جم می‌شدیم چن نفر اینا بودیم، زن، دخترامون بودیم. مرد هم، یک دو سه تا مرد هم تویه سه تا خونه یه مرد ایستاده جلویه اون خونه که دیگه اگه زنا یه اتفاقی چیزی افتاد، همه حیواناتی که نمی‌شناختیم صداهایی می‌دادن که بیشتر می‌ترسیدیم. واقعا بعد نمی‌شناختیم مردم، دیگه همه نوع آدم تو اون منطقه بود.</p>	
<p>ربابه</p>	<p>دگریاری ناهمترازانه فراسویاری</p>	<p>جان و زندگی خویش</p>	<p>وطن و هموطنان</p>	<p>جوانانی که به جبهه‌ها رفتند (مشهدی‌ها)</p>	<p>به قوله گفتنی زمینی می‌رفتن، هوایی بر می‌گشتن، تو کیسه پلاستیکی بر می‌گشتن، یا دست نداشتن یا سر نداشت، یا پا نداشتن</p>	<p>۴</p>

ذکره	همیاری	تزیق رایگان آمپول و تحویل دارو به روستاییان و جبران آن با یک تشت بزرگ ماهی صید شده و تحویل آن به دکتر حمید	روستاییان بندر لنگه	شوهر خواهر ذکره	شوهر خواهر ذکره { بره خود همین روستایا اگه مریض می شدن، آمپول مجانی می زد، دارو میاورد، اینام وقتی از دریا میومدن، مثلاً به تشتایی بهایی بزرگی مثلاً ماهی برامون میاوردن، مثلاً می گفتن ایی بره به قوله خودشون دکتر حمید	۵
زینب	خود دگریاری	کمک به خاموش کردن چادر آتش گرفته و جلوگیری کردن از آتش گرفتن چادرهای خویش	خانواده زینب (جنگ زدگان در آوارگی)	جنگ زدگان در آوارگی	آتیشه به کارتایی که زیر پامون بود می گیره، به چادر می گیره. دیگه جیغ - داد - همه - اینور - اونور. بعد دیگه مردم هر کدوم جلویه هر چادری میبینی یک سطل آبو بشکه، یه آبو پر کردن، اینا وقتی که خیمه‌ها، اینا وقتی که ایی آتیش خیمه مثلا دیدن چادر آتیش سوزه، گفتن اگه وقتیه چادر آتیش بگیری، بقیه چادرام آتیش می گیرن، هر چی آب جلوشون بود ریختن تو همونجا.	۶

سنخ‌شناسی یاریگری‌ها در جنگ بر اساس ... ۲۰۳

ماجده	دگریاری ناهمترازانه فروسویاری	حمایت از جنگ زدگان و دستور تشکیل بنیاد امور جنگ زدگان به منظور سامان دادن به وضعیت آن‌ها	مردم جنگ زده	امام خمینی (ره)	دیگه امام دستور دادن، به همه، چی؟ جا بدین، بهشون رسیدگی کنین، اینا هر چی باشه خونه زندگیشونه از دست دادن، ینی واقعا اگه امام نبود، اصلا نمی‌شد کاری کرد برایه جنگ زده‌ها	۷
راحله	دگریاری همترازانه	برخورد خوب و پذیرش دیگران	غریبه‌ای که برای اولین بار به شهرک بیاید	اهالی شهرک (مهاجرین جنگ زده)	یکی بیاد اولین بار تو مجلسمون حس نمی‌کنه غریبه. ینی اینقد باهاش خودمونبو و می‌گیمو می‌خندیمو فلان حالا که میگه وای اینقد گفتم خجالت می‌کشم برم... اولین بار وقتی می‌رم ماشالله این قدر خون گرمین که دوست ندارم برم بیرون	۸

نتیجه‌گیری

با بررسی مصادیق و مضامین یاریگری‌های روایت شده توسط زنان این پژوهش و قرار دادن‌شان در ذیل پنج مقوله کلی و با توجه به میزان فراوانی‌های هر مقوله، جنبه بازنمایانه داده‌های این پژوهش که همان مصاحبه‌های روایی است، کاملاً نمایان می‌گردد. ما به طور ویژه از زنان مورد مصاحبه نخواستیم تا به ذکر انواع یاریگری‌های رخ داده در زمان

جنگ بپردازند، بلکه این داده‌ها، پس از انجام مجموعه مصاحبه‌ها و در حین تحلیل‌شان، خود را بر ما معلوم ساخته و ضرورت پژوهشی مجزا را که این مقاله، چکیده‌ای از آن است، ایجاب نموده‌اند. دقیقاً به دلیل همین ویژگی بازنمایانه بودن داده‌های پژوهش است که شاهد کمترین میزان یاریگری‌ها در مقوله یاریگری‌های مردمی نسبت به هم‌میهنان و دولت می‌باشیم. در همین مقوله نیز می‌توان ویژگی بازنمایانه آن را به خوبی در میزان یاریگری‌های مردم مشهد به هم‌میهنان و دولت، در مقابل یاریگری‌های سایر ایرانیان به دولت و هم‌میهنان‌شان مشاهده نمود.^۱

وقوع پدیده جنگ تحمیلی، بستری را فراهم ساخت تا ایرانیان با اتکا به گنجینه هزاران ساله «پتانسیل فرهنگی‌شان»^۲ بتوانند فضایی برای برخورد همه‌جانبه با پدیده شوم جنگ فراهم سازند. آنان با اتکا به این گنجینه، خود را در رنج وارد شده بر بخشی از هموطنان، سهم دانستند. تنها با توجه به مقوله پتانسیل فرهنگی و متمرکز شدن بر مجموعه ارزش‌های پیرامون یاریگری است که می‌توان به پس‌پشت واکنش‌های یاریگرانه ایرانیان در برابر پدیده جنگ تحمیلی راه یافت. از سوی دیگر، چنان که ذکر گردید، مهمترین یاریگری‌های جنگ زدگان به هم‌میهنان و دولت، دفاع از کشور در

۱- منظور ده مورد یاریگری‌های مردم مشهد و در مقابل تنها سه مورد یاریگری‌های سایر هموطنان می‌باشد.
 ۲- به باور دکتر فرهادی پتانسیل فرهنگی اعم از سرمایه اجتماعی است و «بخش مهم دیگر پتانسیل فرهنگی، دانش‌ها و فن‌آوری‌ها و مهارت‌های عضلانی، و ارزش‌ها و هنجارهای مربوط به سرمایه‌گذاری، کار و تولید، پس‌انداز و قناعت در مصرف و غیره است. پتانسیل فرهنگی همچنین شامل عصاره خرد جمعی و گوهر صیقل خورده و به قول «یونگ» خودآگاه و ناخودآگاه قومی در حوزه‌های هنر و فلسفه و در اختراعات شگفت‌آوری {است} که بسیار پیچیده‌تر از ماشین‌های خودکار و خودتنظیم و خودراهر شناخته شده‌اند.» و به بیانی دیگر «بخش آماده به کار و خدمت سنت و فرهنگ هر ملت است؛ که مفید بودن و کارآمدی آن، در شرایط فعلی و زمان حال نیز اثبات شده است.» برای آگاهی بیشتر از مفهوم پتانسیل فرهنگی نگاه کنید به کتاب «نقد ساختار اندیشه»، مجموعه مصاحبه‌های علی رضا جاوید و محمد نجاری با برخی اندیشمندان و صاحب‌نظران ایرانی، تهران: انتشارات آشیان، ۱۳۸۸، بخش مصاحبه با استاد محترم دکتر مرتضی فرهادی با عنوان ریشه‌های یاریگری و مشارکت در اندیشه و زندگی ایرانیان.

برابر تجاوز دشمن تلقی شده است و اهمیت این مسئله در داستان زندگی زنان این پژوهش، منجر به روایت تمام و کمال آن شده است.

اگر چه بخشی از یاریگری‌ها به کنش‌های یاریگرانه مسئولین دولتی به هموطنان جنگ زده اختصاص دارد، اما بودن در مشاغل دولتی و حکومتی و انجام کنش‌های یاریگرانه، از ذهنیت فرادستانه آنان نسبت به هموطنان جنگ زده سرچشمه نگرفته است. راویان این پژوهش تنها در موارد نادری از برخوردهای نامناسب مسئولین کمک‌رسانی به جنگ‌زدگان سخن راندند که این مسئله خود می‌تواند به داشتن تعهدات قلبی، انسانی، دینی و میهنی مسئولین در قبال هموطنان جنگ‌زده، فارغ از مقتضیات شغلی‌شان، مربوط باشد. همسو با چنین چشم‌اندازی به پدیده جنگ، یاریگری‌های مردمی به جنگ‌زدگان به اشکال مختلفی صورت پذیرفته است. تنوع این یاریگری‌ها و مضامین مندرج در این کنش‌ها، هر چند که بیشتر با هدف تامین سرپناه و اقلام مورد نیاز به منظور گذران زیست جنگ‌زدگان است، اما با این حال، توجه به سایر نیازهای آنان، هر زمان که مقدور بوده، فراموش نشده است. اگر چه بیشتر این یاریگری‌ها، معطوف به دگریاری‌های ناهمترانه از نوع فروسویاری است، اما با این حال و براساس میزان قدرت جنگ‌زدگان در فراهم ساختن شیوه‌هایی برای بازیابی و احیای زندگیشان، شاهد وقوع یاریگری‌های مستمرتری همچون همیاری تبادل داروهای مورد نیاز و انجام تزییقات رایگان روستاییان بندر لنگه و جبران آن با اهدای تشتی بزرگ از ماهی‌های صید شده آنان، هستیم. پیش‌تر اشاره کردیم که دگریاری، کم‌نظم‌تر، اتفاقی‌تر و گسسته‌تر است. به عبارت دیگر، مشاهده فراوان کنش دگریاری از سوی مردم و دولت نسبت به جنگ‌زدگان، پاسخی به پدیده جنگ‌تحمیلی، به مثابه رخدادی مقطعی است.

اما بی‌شک مهمترین نتیجه به دست آمده از این پژوهش، حضور همه‌جانبه سرمایه اجتماعی^۱ جنگ‌زدگان، در مقام مهمترین عامل نجات‌شان، می‌باشد. دورترین این سرمایه که همانا اطلاق هویت ایرانی است، منجر به تحقق چتر حمایتی ملی در قبال‌شان شده

است. از سوی دیگر، نهاد خانواده و خویشاوندی، دوستان و پیوندهای قومی میان آنان، در حل مشکلات عدیده پیش رویشان، بیشترین یاریگری‌ها را ممکن ساخته است. یاریگری‌های خانوادگی و خویشاوندی به تنهایی ۸۷ مورد را به خود اختصاص داده است و با احتساب یاریگری‌های جنگ زدگان به یکدیگر، که اساساً با میزانی از آشنایی، نسبت به یکدیگر همراه بوده و همچنین برخی از یاریگری‌های مردمی به جنگ زدگان که با اتکا به ارتباط و شناخت نسبی میان یاری دهندگان و جنگ زدگان ممکن گشته، شاهد ۲۰۸ مورد- بیش از ۵۱٪ از مجموع تمام یاریگری‌های ثبت شده در این پژوهش- یاریگری برآمده از شناخت متقابل، اعتماد و هنجارهای اجتماعی، به مثابه عناصر برساننده سرمایه اجتماعی،^۱ هستیم.

مردم مناطق جنگ زده در مواجهه با جنگی همه جانبه، استراتژی استفاده از نیروی جمعی را به مثابه مهمترین واکنش برگزیدند. خانواده و نهاد خویشاوندی به عنوان مستحکم‌ترین عامل در پیوند افراد، حداقل در جامعه ما، آنان را در اتخاذ بهترین تصمیمات و واکنش‌ها، یاری می‌رساند. از سوی دیگر و با شدت گرفتن جنگ و نزدیکتر شدن دشمن، تصمیم به خروج و اسکان در مناطق امن نیز، کنشی جمعی را طلب می‌نمود. جنگ زدگان در دوران آوارگی نیز، عمدتاً به صورت گروهی و با تکیه بر نیروی جمعی خویشاوندی می‌توانستند، رنج رفته بر خویش را از سر بگذرانند. بر همین اساس می‌توانیم همسو با بیشتر نظریه پردازان علاقه مند به مفهوم سرمایه اجتماعی، خانواده را به مثابه مهم‌ترین منبع سرمایه اجتماعی قلمداد کنیم.^۲

۱- «پاتنام سرمایه اجتماعی را با سه مؤلفه (اعتماد، هنجارها، شبکه‌ها) مفهوم سازی می‌کند. مطابق نظر پاتنام «اعتماد اجتماعی، هنجارهای معامله متقابل، شبکه‌های مشارکت مدنی و همکاری موفقیت آمیز متقابلاً همدیگر را تقویت می‌کنند... وجود نهادهای همکاری جویانه کارآمد، مستلزم مهارت‌ها و اعتماد بین این اشخاص است. اما این مهارت و اعتماد نیز به نوبه خود به وسیله همکاری سازمان یافته تلقین و تقویت می‌شوند.» (پاتنام، ۱۳۸۰: ۳۰۹-۳۰۳، به نقل زاهدی، ۱۳۸۸: ۱۱۰)

۲- «پاتنام معتقد است مهم‌ترین شکل سرمایه اجتماعی خانواده است (پاتنام، ۱۹۹۵: ۷۳) بوردیو خانواده را به عنوان مهم‌ترین مکان انباشت و انتقال سرمایه اجتماعی می‌بیند. (بوردیو، ۱۹۹۹: ۳۳) فوکویاما نیز ادعا نموده که

سنخ‌شناسی یاریگری‌ها در جنگ بر اساس ... ۲۰۷

با مهاجرت جنگ زدگان به مشهد و اسکان در شهرک شهید بهشتی، آن‌ها با تکیه بر نیروی جمعی و شبکه‌های اجتماعی موجود، در حل مشکلات پیش رو، توفیق یافته و مشکلات زندگی در محیطی غریبه و آسیب‌های روانی ناشی از جنگ و آوارگی را تسهیل می‌نمودند.^۱ سکنی در شهرک شهید بهشتی به مدت بیش از ربع قرن، در پیوندهای میان اهالی شهرک نقش بسزایی را ایفا نموده است. به دلیل یکدستی محله، بواسطه سکونت جنگ زدگان در آنجا، شاهد افزایش «سرمایه اجتماعی محله»،^۲ با شاخص‌هایی همچون شناخت بالای اهالی، امنیت بالای محله و... می‌باشیم. بر این اساس می‌توان چنین گفت که اهالی شهرک شهید بهشتی روحیه جمع‌گروی بیشتری نسبت به سایر افراد داشته و در تصمیم‌گیری‌هایشان، به صورت گروهی عمل می‌نمایند. همسو با چنین روحیه‌ای و با تکیه بر باورهای دینی، آنها به برگزاری مناسک جمعی بیشتری گرایش دارند؛^۳ این مسئله منجر به افزایش تعاملات جمعی و پیوندها و شبکه‌های اجتماعی و در نهایت، افزایش سرمایه‌های اجتماعی‌شان شده است.^۴

خانواده به طور آشکاری در همه جا منبع مهم سرمایه اجتماعی هستند.» (فوکویاما، ۱۹۹۷: ۱۷ به نقل از علیوردی نیا و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۲۹)

۱- «هارفام، گرانت و توماس بر این باورند که سرمایه اجتماعی، عوامل استرس‌زا را در زندگی کاهش داده و خطر این عوامل را کم می‌کند... وجود شبکه‌های اجتماعی در مقصد یک حائل در مقابل عامل فشارزای درونی است و نقش مثبتی بر جابجایی و حرکت افراد بازی می‌کند، به طوری که با فراهم آوردن حمایت‌های عاطفی، دوستی‌ها، و فرصت‌هایی برای اعمال اجتماعی معنادار در قالب سرمایه اجتماعی اثر بسیار مهم و مؤثری بر عزت نفس افراد مهاجر با مشکلات زندگی و افسردگی‌ها داشته و در نهایت به احساس سلامت روانی منجر می‌شود... شبکه‌های اجتماعی، نوعی سرمایه اجتماعی را برای مهاجران فراهم می‌آورند، به این معنا که در این شبکه‌ها از حمایت، اعتماد و روابط عاطفی با سایر افراد برخوردار می‌شوند.» (لهسای زاده و مرادی، ۱۳۸۶: ۱۶۷-۱۶۳)

۲- «جین جیکوبز سرمایه اجتماعی محله را عاملی مهم در افزایش امنیت محله، جریان اطلاعات در بین اهالی محله، و همیاری در امور مشارکتی می‌داند... به طور کلی محلات با سرمایه اجتماعی بیشتر، امن‌تر هستند، از میزان اعتماد اجتماعی بالاتری برخوردارند و آمادگی بیشتری برای برخورد با مسائل محلی دارند.» (باستانی، ۱۳۸۷: ۶۰)

۳- شاهد چنین ادعایی تعداد بالای حسینیه‌ها در شهرک شهید بهشتی است که در چند مورد به مثابه کنشی یاریگرانه ثبت شده است.

۴- «افه و فوش (Offe&Fuchs:2002) در پژوهش خود با موضوع «عملکرد اقتصادی و حاکمیت خوب» در مناطقی از آلمان، به نقش دین و تعهد دینی با سرمایه اجتماعی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین این دو

اگر چه انواع یاریگری‌های مردمی و دولت به جنگ زدگان، در فرم دگریاری عمدتاً ناهمترازانه از نوع فروسویاری تعین یافته است، اما با این حال، یاریگری‌های جنگ زدگان به یکدیگر، بسته به موقعیت و نیازها و منافع شان در اشکال مختلفی رخ داده است. جنگ زدگان در مواجهه با جنگ و به منظور حفظ بقا و کاستن از مصائب‌شان، به مدد یاری رسان‌های همواره حاضری همچون خود، در مواقعی به عنوان یاری گیرنده و گاهی به سان یاری دهنده، توان خود را یک کاسه کرده و در نتیجه توانستند بر مشکلات‌شان فائق آیند. مجموعه سرمایه اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی درون آن، ارتباطات روزمره را از ریسک آزمون و خطای هر بده و بستانی رها ساخت و در نهایت، آنان توانستند بستری مناسب و قابل اعتماد به منظور بازگشت به زندگی روزمره خویش را فراهم سازند.

پیشنهاد‌های پژوهش

با توجه به تاثیرگذاری غیرقابل انکار جنگ تحمیلی در جامعه، ضرورت انجام پژوهش‌های مرتبط با آن، بسیار حیاتی است. با این همه، آنچه بیش از سایر مسائل در رابطه با این پدیده مهم از اهمیت و اولویت پژوهشی برخوردار است، همانا لزوم انجام تحقیقات میدانی و ثبت وقایع از رهگذر خاطرات مردم عادی جنگ زده می‌باشد. چنین اولویتی سرچشمه گرفته از چند مسئله بنیادین می‌باشد: از آنجا که سازمان‌ها و نهادهای مختلفی مستقیماً با نیروهای نظامی درگیر در جنگ و ثبت خاطرات آنها در ارتباطند، ممکن است خواسته و یا ناخواسته ضرورت بازبانی تجربیات، خاطرات و رنج‌های بخش زیادی از مردم جنگ زده به دست فراموشی سپرده شده و این مسئله از یکسو منجر به حذف بخش مهمی از تاریخ فرهنگی و اجتماعی مان شده و از سوی دیگر با

متغیر رابطه مستقیمی وجود داشته و از آن جا که ادیان از نشست‌های جمعی و مناسک برخوردارند، باعث افزایش تعاملات و آگاهی از مسائل اجتماعی می‌شوند.» (افه، فوش، ۲۰۰۲، به نقل از امیری، رحمانی، ۱۳۸۵: ۱۲۱)

سنخ‌شناسی یاریگری‌ها در جنگ بر اساس ... ۲۰۹

این نسیان، رنج مضاعفی نسبت به‌ایشان روا شود. در چنین شرایطی، بی شک این مسئولیت بر دوش همه عالمان علوم انسانی است تا تعهد خویش را نسبت به‌این فرودستان عملی سازند. از سوی دیگر، بی شک توسعه جامعه و سرزمینمان در گروی توسعه علوم انسانی بومی است و این مهم تحقق نخواهد یافت، مگر بواسطه رنج مواجهه با واقعیت اینجا و اکنونی مان، تلاش در به فهم کشاندن آن، مجاهدت در تولید نظریات بومی و در نهایت گشودگی جامعه علمی در پذیرش این نظریات.

منابع

- اتکینسون، رابرت. (۱۳۸۴)، مصاحبه شرح حال در راهنمای تحقیق مصاحبه‌ای، زمینه و روش، ویراسته جابر اف. گوبریوم، جیمز، آ. هولشتاین، ترجمه: معاونت پژوهشی دانشکده امام باقر (ع)، تهران: دانشکده امام باقر (ع).
- امیری، میثم؛ رحمانی، تیمور. (۱۳۸۵)، بررسی آثار سرمایه اجتماعی درون و برون گروهی بر رشد اقتصادی استان‌های ایران، تهران، دو فصلنامه علمی-پژوهشی **جستارهای اقتصادی**، سال سوم، شماره ششم.
- باستانی، سوسن. (۱۳۸۷)، بررسی سرمایه اجتماعی شبکه در ۱۰ محله تهران؛ بررسی جایگاه روابط محلی در شبکه‌های اجتماعی، **مجله مطالعات اجتماعی ایران**، تهران: دوره دوم، شماره ۲.
- بیرو، آلن. (۱۳۷۰)، **فرهنگ علوم اجتماعی**، ترجمه: باقر ساروخانی، چاپ اول، تهران: انتشارات کیهان.
- جاوید علیرضا؛ نجاری، محمد. (۱۳۸۸)، **نقد ساختاراندیشه**، تهران: انتشارات آشیان.
- جنکینز، کیت. (۱۳۸۰)، **بازاندیشی تاریخ**، ترجمه: حسین علی نودری، تهران: نشر آگه.

- ربیعی، منیژه. (۱۳۷۸)، بنیاد امور مهاجرین جنگ تحمیلی، دانشنامه جهان اسلام، جلد ۴، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- روزنامه رسالت. (۱۳۶۶)، گزارشی از عملکرد بنیاد امور مهاجرین جنگ تحمیلی، شماره ۷۴۷، ۶/۷/۱۳۶۶.
- زاهدی، محمدجواد؛ شیانی، ملیحه؛ علی پور، پروین. (۱۳۸۸)، رابطه سرمایه اجتماعی با رفاه اجتماعی، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره ۳۲.
- سام آرام، عزت الله. (۱۳۸۰)، تشکلهای خودجوش زنان روستایی برای پشتیبانی از جبهه‌های جنگ تحمیلی، فصلنامه علوم اجتماعی، تهران: شماره ۱۶-۱۵.
- شورای هماهنگی تبلیغات دولت. (۱۳۶۸)، دبیرخانه هیئت دولت. کارنامه دولت جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۷.
- شهیدیان، حامد. (۱۳۷۲)، دشواری‌های نگارش تاریخ زنان در ایران: وضع کنونی و راه آینده، مجله ایران نامه، شماره ۴۵.
- طالب، مهدی. (۱۳۷۶)، اصول و اندیشه‌های تعاونی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- _____ . (۱۳۷۹)، ماهیت مشارکت و مشارکت در منابع طبیعی، در مجموعه مقالات همایش "منابع طبیعی مشارکت و توسعه"، تهران: انتشارات دفتر ترویج و مشارکت مردمی.
- علیوردی نیا، اکبر؛ شارع پور، محمود؛ ورمزیار، مهدی. (۱۳۸۷)، سرمایه اجتماعی خانواده و بزهکاری، فصلنامه پژوهش زنان، تهران: دوره ۶، شماره ۲.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۸)، انسان شناسی یاریگری، تهران: نشر ثالث.
- _____ . (۱۳۸۳)، ساخت‌های جهانی همکاری، همه گاهی و همه جایی بودن انواع جوهری یاریگری و مشارکت، فصلنامه علوم اجتماعی (ویژه نامه مشارکت)، شماره ۲۶.

- سنخ‌شناسی یاریگری‌ها در جنگ بر اساس ... ۲۱۱
- _____ . (۱۳۸۹)، مشارکت در فرهنگ ایرانی، بررسی بازتابیده یاریگری در زبان و ادب فارسی، ماهنامه کیهان فرهنگی، تهران: شماره ۲۸۳-۲۸۲.
- _____ . (۱۳۷۰)، «واره» نوعی تعاونی سنتی کهن و زنانه، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، تهران: شماره ۶ و ۷
- فلیک، اووه. (۱۳۸۷)، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- لهسایی زاده، عبدالعلی؛ مرادی، گلمراد. (۱۳۸۶)، روابط سرمایه اجتماعی و سلامت روان در مهاجران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، تهران: سال هفتم، شماره ۲۶.
- محمد پور، احمد. (۱۳۸۹)، روش تحقیق کیفی، ضد روش ۱ (ج اول). تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- _____ . (۱۳۹۰)، روش تحقیق کیفی، ضد روش ۲ (ج دوم). تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۵)، بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی، بررسی رابطه میان بیگانگی و مشارکت سیاسی-اجتماعی، نامه پژوهش فصلنامه تحقیقات فرهنگی، تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شماره ۱.
- نورائی، مرتضی؛ دهقان نیری، لقمان؛ ترقی، ابوالحسن. (۱۳۸۹)، مقایسه تحلیلی سنت شفاهی با تاریخ شفاهی، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، اصفهان: دوره جدید، سال دوم شماره چهارم (پیاپی ۸).
- وارن، کارول، ای. بی. (۱۳۸۴)، مصاحبه کیفی در راهنمای تحقیق مصاحبه‌ای، زمینه و روش، ویراسته جابر اف. گوبریوم، جیمز، آ. هولشتاین، ترجمه: معاونت پژوهشی دانشکده امام باقر (ع)، تهران: دانشکده امام باقر (ع).

- Breton, Raymond. (1997). **Social Participation and Social Capital**. Introductory Lecture at the Second National Metropolis Conference, 23-25 November, Montreal, Quebec, Canada.
- Boyatzis, R. E. (1998). **Transforming Qualitative Information: Thematic Analysis and Code Development**. Sage Publication.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). **Using Thematic Analysis in Psychology, Qualitative Research in Psychology**, Vol 3, No.
- Mason, J. (2002). **Qualitative research**, London, sage.
- Schatzow, Steven. (1977). **The Influence of Publican Federal Environment**, Decision Making in Canada in Participation in Planning. Edited by SEWELL. Johnvilly and Son Press.